

سیاستگذاری فرهنگی - هنری در کشور اتریش

این گزارش ترجمه مقاله‌ای است که از سایت
وابسته به شورای اروپایی و مرکز مطالعات
تطبیقی اتحادیه اروپا اقتباس شده است:

Compendium: Cultural Policies and
Trends in Europe; Austria
<http://www.culturalpolicies.net>

کد موضوعی: ۲۷۰

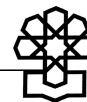
شماره مسلسل: ۸۰۷۲

آبان ماه ۱۳۸۵

دفتر: مطالعات فرهنگی

فهرست مطالب

۱. چشم‌انداز تاریخی: سیاست‌های فرهنگی و ابزار..... ۱
۲. صلاحیت، تصمیم‌گیری و مدیریت..... ۳
 - ۲-۱. ساختار سازمانی ۳
 - ۲-۲. تشریح اجمالی سیستم..... ۶
 - ۲-۳. همکاری‌های بین وزارتخانه‌ای یا درون حکومتی..... ۷
 - ۲-۴. همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی..... ۸
۳. اهداف کلان و اصول سیاست فرهنگی..... ۹
 - ۳-۱. اجزای اصلی مدل فعلی سیاست فرهنگی..... ۹
 - ۳-۲. تعریف ملی از فرهنگ..... ۹
 - ۳-۳. اهداف سیاستگذاری فرهنگی..... ۹
۴. مباحث متداول در سیاست‌های توسعه فرهنگی..... ۱۰
 - ۴-۱. اولویت‌ها و مباحث اصلی سیاست‌های فرهنگی..... ۱۰
 - ۴-۲. مباحث و موضوعات اخیر سیاستی..... ۱۰
 - ۴-۳. کثرت‌گرایی رسانه‌ای و تنوع محتوا..... ۱۲
 - ۴-۴. صنایع فرهنگی: توسعه، برنامه‌ها و شرکا..... ۱۳
 - ۴-۵. سیاست‌های استخدامی برای حوزه فرهنگی..... ۱۵
 - ۴-۶. فناوری‌های جدید و سیاست‌های فرهنگی..... ۱۶
 - ۴-۷. آموزش هنر: برنامه‌ها و مدل‌ها..... ۱۷
 - ۴-۸. مباحث میراث فرهنگی و سیاست‌ها..... ۱۸
۵. مقررات قانونی اصلی در حوزه فرهنگی..... ۱۹
 - ۵-۱. قانونگذاری کلی و عمومی..... ۱۹
 - ۵-۲. تنظیم مقررات فرهنگ..... ۲۶
۶. تأمین مالی فرهنگ..... ۳۳
 - ۶-۱. مروری کوتاه..... ۳۳
 - ۶-۲. هزینه سرانه عمومی فرهنگ..... ۳۴
 - ۶-۳. سرشکن بخشی [اعتبارات]..... ۳۶
۷. مؤسسات فرهنگی و شرکای جدید..... ۳۹
 - ۷-۱. تخصیص دوباره مسئولیت‌های عمومی..... ۳۹
 - ۷-۲. جایگاه، نقش و پیشرفت مؤسسات فرهنگی اصلی..... ۴۰
 - ۷-۳. پدیدار شدن شرکا یا متحدان..... ۴۱
۸. حمایت از خلاقیت و مشارکت..... ۴۲
 - ۸-۱. حمایت مستقیم و غیرمستقیم از هنرمندان..... ۴۲
 - ۸-۲. روندها و نمودارهای مشارکت..... ۴۴
 - ۸-۳. برنامه‌ها یا اقدامات سیاسی برای توسعه مشارکت در زندگی فرهنگی..... ۴۵
 - ۸-۴. هنرهای تجربی، انجمن‌های فرهنگی و مراکز اجتماعی..... ۴۵



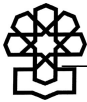
سیاستگذاری فرهنگی - هنری در کشور اتریش

۱. چشم‌انداز تاریخی: سیاست‌های فرهنگی و ابزار

تاریخ اتریش در قرن بیستم؛ با از بین رفتن امپراتوری هابسبورگ و پایان استبداد دوران سخت جمهوری اول بین دو جنگ جهانی، این کشور به‌عنوان استانی که به آلمان هیتلری در سال‌های ۱۹۳۸-۱۹۴۵ ضمیمه شده بود و با دوران اشغال متحدین از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۵، شناخته می‌شود. سیاست فرهنگی اتریش، پس از جنگ به‌طور کلی غیرسیاسی بود. این سیاست از تأثیرها یا جشنواره‌های فدرالی، حمایت و از فعالیت‌های زیرساختی در حوزه ادبیات، نمایش، هنرهای دیداری و موسیقی، چشم‌پوشی می‌کرد. اکثر هنرمندان و روشنفکرانی که در دوران نازیسم رانده شده بودند، دوباره دعوت شدند.

نگرش به فرهنگ پس از دوران جنگ با سیاست‌زدگی عمومی اروپایی و رادیکالیسم دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، تغییر یافته بود. پیشگامی فرهنگی یک عامل سیاسی محسوب شد و به‌عنوان ابزاری برای برآمدن بر تغییرات سیاسی در اتریش به کار گرفته می‌شد؛ یعنی حکومت سوسیال دموکرات برونوکریسکی، برای تمام حوزه‌ها از جمله مفهوم فرهنگ - که تمام شئون زندگی را در بر داشته باشد - قول مدرن کردن و اصلاحات داده بود. به‌علاوه، سیاست فرهنگی به‌عنوان یک متغیر برای سیاست‌های اجتماعی مورد توجه بود.

مجموعه‌ای از طرح‌های سیاست فرهنگی وزارت فدرالی آموزش و هنر در سال ۱۹۷۵ گردآوری شد. از جمله اهداف اصلی این مجموعه بهسازی عادات فرهنگی و سطوح آموزش عمومی و کاهش فاصله آموزشی بین شهرنشینان و روستاییان بود. یک مرکز فرهنگی (OKS) به‌وسیله این وزارتخانه برای ارتباط میان هنرمندان و دست‌اندرکاران فرهنگ از یکسو و از سوی دیگر مدارس، مؤسسات آموزش بزرگسالان، شرکت‌ها و مراکز فرهنگی، ایجاد شد. این تشکیلات نشان‌دهنده نوعی تغییر نگرش بود تا آن‌جا که دیالوگی (گفتگویی) در میان مجموعه‌های حکومتی، هنرمندان و واسطه‌های هنری ظاهر شد. از این زمان گام تحریک‌برانگیز در سیستم فعلی توسعه هنری برداشته شد و ۲۵ سال بعد در سطح بالایی از سازمان‌های مشاوره‌ای گوناگون از جمله هیأت‌ها، کمیسیون‌ها، هیأت‌های منصفه و موزه‌دارهای خاص، توسعه یافت. چنین سازمان‌هایی قدرت‌های تصمیم‌گیری را برای تلاش در ایجاد سیستم حمایتی از هنر و دموکراتیک کردن بیشتر



[جامعه] فراهم می‌آوردند. در این میان سازمان‌های واسطه‌ای نیز ایجاد شد. این سازمان‌ها تحت نظارت حکومت اداره می‌شدند و تا حدی در بنگاه‌های خصوصی لنگر انداخته بود.

در دهه ۱۹۸۰، کشور اتریش با یک جهش فرهنگی واقعی مواجه شد که این جهش باعث سازماندهی زنجیروار وقایع هنری می‌شد و اعتبارات فرهنگی ۲۵ سال گذشته حدود ۷ برابر افزایش یافته بود. این افزایش به علت مقیاس وسیع حمایت از وقایع هنری، جشنواره‌های معروف و نمایشگاه‌های بزرگ بود.

در اواخر دهه ۱۹۸۰، اولویت‌های سیاستگذاری فرهنگی تغییر کرد و مباحث بر موضوعات حمایت مالی از فرهنگ و خصوصی‌سازی متمرکز شد و این زمانی بود که ائتلاف میان حزب دموکرات مسیحی مردم (OVP)^۱ و حزب سوسیال دموکرات (SPO)^۲ از سر گرفته شد و تغییرات سیاسی عمده‌ای در سال ۱۹۸۹ ایجاد شد. در سال ۱۹۸۸ حمایت عمومی از هنر در «قانون فدرالی حمایت از توسعه هنر» تجلی یافت. در حالی که بحث خصوصی‌سازی در دهه ۱۹۸۰ مراحل ابتدایی خود را طی کرد؛ در دهه ۱۹۹۰ به‌عنوان یک موضوع مهم و بحث‌برانگیز به‌خصوص در حوزه‌های موسیقی، اپراهای عمومی و موزه‌ها - که مطابق با استانداردهای بین‌المللی می‌توانستند سهم بیشتری را در بازار نسبت به دیگر شکل‌های هنر داشته باشند - طرح شد.

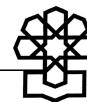
در سال ۱۹۹۸ بحثی درباره تجدید ساختار سیاستگذاری فرهنگی پدید آمد. صدراعظم و وزیر کشور که متصدی امور هنر نیز بود، برای تحلیل سیاست‌ها و مدیریت فرهنگی فدرالی اتریش، یک کار گروه از متخصصان تشکیل دادند و برای مدرنیزه کردن و بهسازی مدیریت فرهنگی عمومی طرحی دقیق تهیه کردند.^۳ اگرچه به‌طور گسترده در نشریات و در میان سیاستگذاران فرهنگی و هنرمندان درباره این طرح بحث شد؛ اما اجرائی نشد.

تغییر عمده دیگر در سال ۲۰۰۰ رخ داد که همانا ایجاد ائتلاف میان حزب دموکرات مسیحی مردم و حزب جناح راست آزادی بود. این تغییر سیاسی با انتقادات بنیادینی از سوی نیروهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ملی و بین‌المللی مواجه شد و به‌طور کلی اهداف سیاست فرهنگی ائتلاف در سال ۲۰۰۲ مجدداً انتخاب و بر تجدید ساختار حمایت عمومی از فرهنگ از جمله تأمین مالی بیرونی مؤسسات فرهنگی عمومی و کم کردن بودجه فرهنگی، متمرکز بود. فرهنگ پرستی‌محور، صنایع خلاقانه و توسعه پروژه‌های اقتصادی‌محور، مانند جشنواره‌ها برای گسترش توریسم بیشتر مورد تأکید قرار گرفته بود.

1. OVP= CDP= Cristian Democratic People Party.

2. SPO= Social Democratic Party.

3. weiss buch, 1998



۲. صلاحیت، تصمیم‌گیری و مدیریت

۲-۱. ساختار سازمانی

۲-۱-۱. سطح فدرال

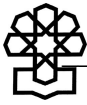
• وزارت هنر و رسانه و بخش‌های معاونت هنری صدراعظم فدرال دارای مسئولیت‌هایی هستند. این مسئولیت‌ها شامل موارد ذیل است:

- حمایت و ترویج هنرهای بصری، معماری، طراحی و مدل،
- حمایت و ترویج هنرهای نمایشی و موسیقی،
- امور حقوقی،
- مدیریت بودجه و کنترل تخصیص‌ها،
- ادبیات و امور نشر،
- امور فرهنگی مربوط به تعاملات دوجانبه و چندجانبه خارجی، جوایز و پاداش‌ها،
- همکاری با اتحادیه اروپا (از نظر ارتباطات فرهنگی)، انجمن تئاترهای دولت فدرال اتریش،
- نهادهای منطقه‌ای فرهنگی و مراکز فرهنگی، حمایت از فعالیت‌های فرهنگی چندگونه و طرح‌های چند رشته‌ای.

مؤسساتی که تحت نظر معاونت هنری صدراعظم فدرال قرار دارند

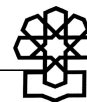
- مؤسسه فیلم اتریش،^۱
 - مجموعه بوندس تئاتر^۲ شامل بورگ تئاتر (تئاتر ملی)، خانه اپرای وین، فولک سوپر وین،^۳ خدمات تئاتر،^۴ بزرگ‌ترین شرکت تئاتر جهان،
 - آرتوتک: مدیریت این مجموعه که شامل بیش از ۲۸۰۰۰ موضوع بود؛ در سال ۲۰۰۲ قرارداد آن تمام شد و دولت فدرال خود مالکیت آن را بر عهده گرفت،
 - اوستریچیش فتوگالری (همراه با روپرتینوم، سالزبورگ)،
 - کلتورکونتکت اتریش.
- معاونت قانون اساسی صدراعظم فدرال مسئول سیاستگذاری رسانه‌ای و موضوعات مربوط به رسانه‌های جدید می‌باشد.

1. OFI
2. Bundes theater
3. Volk soper wien
4. GmbH



- تفسیر قوانین رسانه‌ای (تلویزیون و رادیوی خصوصی، ماهواره و...)
- تنظیم مسائل حقوقی مربوط به رسانه‌های جدید و اینترنت (اکتبر ۱۹۹۸: هیأت مشورتی رسانه‌های جدید و اینترنت)،
- وزارت فدرالی آموزش، علوم و فرهنگ^۱ مسئول فرهنگ (میراث فرهنگی، آموزش هنری و...)، آموزش و مسائل مدارس و دانشگاه‌هاست. به‌خصوص وزیر در موارد ذیل مسئول است:
 - موزه‌ها، مجموعه‌ها (کلکسیون‌ها)، (حمایت و تشویق)،
 - حفاظت از آثار تاریخی و میراث فرهنگی (برنامه‌های حقوقی، حمایت و توسعه، سرمایه‌گذاری در اتحادیه اروپا (از نظر فرهنگی)، برنامه‌های بین‌المللی و یونسکو)،
 - کتابخانه ملی،
 - ارکست کاخ اتریش،
 - کتابخانه شنیداری (فونوتک)،
 - کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌های مدارس، فرهنگ بومی،
 - بازگرداندن کالاهای فرهنگی به قربانیان رژیم نازی،
 - مؤسسه کلتور کنتاکت اتریش زیر نظر این وزارتخانه قرار دارد.
 - معاونت سیاستگذاری فرهنگی وزارت فدرالی امور خارجه^۲ در موارد ذیل پاسخگو است:
 - امور مربوط به تبادلات دوجانبه و چندجانبه فرهنگی،
 - مؤسسات و مراکز فرهنگی خارج از کشور (۲۹ مؤسسه فرهنگی در ۲۶ کشور)،
 - ۵۱ کتابخانه اتریشی خارج از کشور،
 - ۸ شاخه از مؤسسات اتریشی (مؤسسه اوسترا: مؤسسات پیشنهاد زبان آلمانی در اسلواکی، جمهوری چک، لهستان (۳ مورد)، مجارستان، اسلوانی و ایتالیا).
- وزارت فدرال آموزش، علوم و فرهنگ و وزارت فدرال امور خارجه به‌طور مشترک در موارد ذیل مسئولند:
 - مراکز مربوط به مطالعات و کرسی‌های استادی اتریشی،
 - دفتر همکاری‌های علمی، آموزشی و فرهنگی در لوو^۳ اتریش - اوکراین،
 - رایزنی‌های علمی و آموزشی.
- وزارت فدرالی امور اقتصادی و کارگری اتریش نیز در ارتباط با فرهنگ، در موارد ذیل پاسخگو است:
 - اعطای جوایز مختلف در قلمرو صنایع فرهنگی از جمله معماری، طراحی و بهترین آگهی‌های

1. BMBWK
2. BmaA
3. Lvov



بازرگانی در تلویزیون،

- توافقات دوجانبه درخصوص فیلم با کشورهای آلمان، سوئیس، فرانسه، اسپانیا و ایتالیا،

- بناهای تاریخی،

- گردشگری فرهنگی.

۲-۱-۲. سطح استانی

بوندس لاند (استان‌های فدرالی) در اتریش، بورگنلند، کارینتیا، اتریش پایین، سالزبورگ، استیریا، اتریش بالا، وین و ورارلبرگ را شامل می‌شود. یک معاونت فرهنگی در دفتر اجرائی هر یک از این حاکمان استانی وجود دارد. در بعضی موارد این معاونت دربردارنده علوم و آموزش است. هر یک از بوندس لاندرها (بجز بوندس لاند وین) قانون توسعه فرهنگی خود را دارد، که غالباً در دهه ۱۹۸۰ به اجرا درآمد.

مسئولیت‌های کلی و عمومی بوندس لاندرها در امور فرهنگی عبارتند از:

- تمامی برنامه‌های قانونی که به سیاست‌های فرهنگی مربوط است (حاکمیت فرهنگی)،

- توسعه و تشویق فعالیت‌های فرهنگی با پیوند به مسائل خاص بوندس لاند که غالباً با

همکاری با سطح فدرال همراه است (اولویت‌های مختلف برای توسعه)،

- توسعه و تشویق فعالیت‌ها در حفظ و مراقبت از آثار و نمادهای روستاها و شهرها (حفظ

مراکز قدیمی شهرها)،

- بنیادها و سرمایه‌های تحت تملک بوندس لاند،

- مدارس موسیقی،

- تئاترها، سینماها، وقایع هنری و جشنواره‌ها (جشنواره سالزبورگ، هنرهای الکترونیکی در

لینز، جشنواره‌های برگنز)،

- میراث فرهنگی، هنرهای سنتی و محلی،

- ورزش‌ها.

۳-۱-۲. سطح محلی

مسئولیت سیاسی فرهنگ در سطح محلی بر عهده صدراعظم شهر و در سطح شهرهای کوچک‌تر، بر عهده شهردار است. اکثر ادارات حکومتی محلی یا مدیریت‌های شهری، دارای معاونت‌های فرهنگی‌اند و اکثر این معاونت‌ها دربردارنده علوم یا آموزش هستند که در امور مربوط به کتابخانه‌ها، فرهنگ بومی و حفظ وحدت مسئول‌اند. در جوامعی با جمعیت کم‌تر از ۲۰,۰۰۰ نفر ساکن، عموماً ادارات حکومتی، واحدی به نام فرهنگ ندارند.



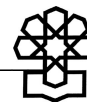
- سطح محلی دارای صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های ذیل است:
- محافظت از نمادهای روستایی، شهری و مراکز شهری قدیمی،
 - جشنواره‌ها، به‌خصوص در مراکز استانی مانند برگنز، سالزبورگ و لینز (با همکاری بوندس‌لندر و حکومت فدرال)،
 - توسعه و حمایت از مؤسسات مدنی از جمله مراکز فرهنگی، سالن‌های نمایش و مانند آن در شهرها،
 - هنر آماتوری (نمایش‌های آماتوری و گروه‌های محلی)،
 - موزه‌های محلی،
 - کتابخانه‌ها و تسهیلات آموزش بزرگسالان.

۲-۲. تشریح اجمالی سیستم

اتریش یک دولت فدرال است و در قضیه کلی اصل پانزدهم قانون اساسی، بیش‌ترین صلاحیت را برای استان یا بوندس‌لندر تشخیص داده است (یک ترکیب شناخته شده با عنوان «حاکمیت فرهنگی») و این در حالی است که حکومت فدرال دارای صلاحیت بر امور «حاکمیتی» از جمله آرشیوهای علمی، تکنیکی و کتابخانه‌ها، مجموعه‌های هنری، علمی و تسهیلات فدرالی (موزه‌های فدرال و کتابخانه ملی)، نمایش‌های فدرال، بزرگداشت‌های تاریخی، نامگذاری‌های مذهبی، سرمایه و سرمایه‌گذاری‌هاست. با این‌که مسئولیت عمومی بعضی از حوزه‌های فرهنگی خاص به‌طور واضح معین شده است؛ اما ممکن است مجموعه‌های عمومی (در هر سطح از حکومت) نقش فعالی را در حمایت از همه فعالیت‌های هنری و فرهنگی دارا باشند. در این باره، باید از ارتباط میان مجموعه‌های گوناگون حکومت یاد کرد که از راه همکاری‌های غیر رسمی و به همان اندازه به‌وسیله رقبا، شکل گرفته است. اگرچه قانون اساسی اتریش دارای اصول فدراتیو است؛ اما در حمایت از هنر و فرهنگ حکومت فدرال، فعال‌تر از بوندس‌لاندرها عمل می‌کند.

۲-۲-۱. مدیریت فرهنگی جمهوری فدرال

در سال ۱۹۹۷ [مسئولیت] هنر به صدراعظم فدرال واگذار شده بود و یک وزیر برای مسئولیت فرهنگ، هنر و رسانه، تعیین شد. اکنون برای اولین بار بعد از دهه ۱۹۷۰، امور فرهنگی و هنری، تحت همان دستورالعمل‌هایی هستند که برای سیاست‌های رسانه‌ای استفاده می‌شوند. تصمیمات درخصوص پارانه‌ها براساس همان تصمیماتی است که به‌وسیله چندین هیأت مشاوره که شامل نخبگان و متخصصان حوزه‌های مرتبط - که در اکثر بخش‌های معاونت هنری صدراعظم حضور دارند - توصیه می‌شود. این حوزه‌ها شامل موارد ذیل است: هنر بصری، موسیقی، نمایش، حرکات



موزون، فیلم، مؤسسه فیلم اتریش (کمیسیون گزینش)، ادبیات، ترجمه، نشر، معماری، هنر و ساختار، هنر عمومی،^۱ نوآوری فرهنگی. [اگرچه گفتنی است که] توصیه‌های هیأت مشاوران، اجباری و الزامی نیست.

بودجه‌ها معمولاً به وسیله وزیران مرتبط با حوزه مربوطه تهیه می‌شود، که در اکثر موارد (به صورت غیر رسمی) با متخصصان امر مشورت می‌شود. پس از تصویب هیأت وزیران، بودجه به شورای ملی انتقال می‌یابد و در شورای ملی مورد بحث و به طور خاصی در کمیسیون‌های مربوط (کمیسیون فرهنگ) مورد بررسی قرار می‌گیرد. تغییرات بیشتر، ممکن است در جلسه عمومی ایجاد شود و در رأی‌گیری نهایی به حد نصاب $\frac{1}{3}$ همه اعضای پارلمان نیاز است (البته بجز قوانین اساسی و قانونگذاری راجع به مدارس تا سال ۲۰۰۵، که حد نصاب $\frac{2}{3}$ آراست).

هر ساله معاونت هنری با ارائه یک گزارش هزینه‌های دولت برای فعالیت‌های هنری و فرهنگی را تشریح می‌کند. در سال ۱۹۹۶ برای دستیابی به شفافیت و مقایسه‌ای در حد ممکن - به خصوص بین هزینه‌های بوندس‌لندر و سطح فدرال - سیستم جدیدی ایجاد شد و داده‌ها براساس حوزه‌های ادبیات، فیلم، عکس و غیره - البته به وسیله بخش‌های مدیریتی (سیستم LIKUS) - سازماندهی شد. گزارش فرهنگی سالانه به وسیله وزارت آموزش، علوم و فرهنگ منتشر شد که اطلاعات سرمایه‌گذاری‌های مربوط به فعالیت‌ها را نشان می‌داد.

۲-۲-۲. مدیریت فرهنگی در استان‌ها (بوندس‌لندر) و حکومت محلی

بوندس‌لندر براساس عناصر حقوق خصوصی، در توسعه و حمایت فرهنگ و در همه حوزه‌های مرتبط با آن، فعال است.

همه حکومت‌های بوندس‌لندر حداقل دارای یک معاونت هستند و خود را به امور فرهنگی معطوف کرده‌اند و همچنین یک عضو از حکومت، عموماً وظیفه و مسئولیت سیاسی این معاونت را بر عهده می‌گیرد. گاهی بعضی از صلاحیت‌های فرهنگی برای حاکم حفظ شده است. سرمایه بوندس‌لندر مانند یک شهر کوچک به طور قابل تأملی به توسعه فرهنگی، کمک به مؤسسات مدنی، موزه‌های محلی، کتابخانه‌ها و تسهیلات آموزش بزرگسالان، اختصاص یافته است.

۲-۳. همکاری‌های بین وزارتخانه‌ای یا درون حکومتی

اجلاس سالانه اطلاعات درون حکومتی با شرکت تعداد ۹ بوندس‌لندر و حکومت فدرال برگزار می‌شود و در این اجلاس طرح‌های مهم فرهنگی و وقایع فرهنگی - هنری به بحث گذاشته می‌شود.



این طرح‌های مهم و وقایع فرهنگی - هنری عبارتند از: ریاست اتریش در اتحادیه اروپا، دویست و پنجاهمین سال تولد موزارت و سال زیگموند فروید (۲۰۰۶). مسئولان سیاسی و اداری با دعوت حکومت فدرال برای شرکت در این اجلاس حضور می‌یابند. در صورت نیاز، جلسات بین وزارتخانه‌ای به‌طور غیررسمی میان وزرای مسئول و مسئولان اداری برگزار می‌شود.

۲-۴. همکاری‌های فرهنگی بین‌المللی

مهم‌ترین وظایف در امر سیاست فرهنگی در یک سند تصور عمومی تشریح شده است که این سند به‌وسیله وزارت فدرال امور خارجه در سال ۲۰۰۱ تهیه شده بود. نکته اصلی آن بود که تجدید ساختار مؤسسات و بخش‌های فرهنگی سفارتخانه‌های اتریش، در قالب ۲۹ مرکز فرهنگی در ۲۶ کشور، به اجرا درآید.

این سند شامل اولویت‌های ذیل است:

- حمایت از بحث و گفتگو درباره اروپا و «ارزش‌های اروپایی» در وقایع و سمینارهای بزرگ فرهنگی - هنری،

- تجزیه و تحلیل تاریخ اتریش در قرن بیستم از جمله هنر سرقت شده و رانده شده، ادبیات در تبعید،

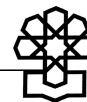
- همکاری فرهنگی با کشورهای علاقمند اتحادیه اروپا، به‌خصوص در اروپای مرکزی،

- همکاری فرهنگی به‌عنوان کمک به ثبات در منطقه بالکان،

همکاری فرهنگی با کشورهای شریک در «جهان سوم».

برنامه «فرهنگ - اروپای مرکزی» به‌وسیله کشورهای «همسایه فرهنگی» (اتریش، لهستان، جمهوری چک، مجارستان، اسلواکی و اسلونی) در سال ۲۰۰۱ آغاز شد. این برنامه مقدمه‌ای است برای ایجاد زمینه گفتگوهای فرهنگی با هدف حمایت از طرح‌های دوجانبه و چندجانبه که بر منافع مشترک فرهنگی کشورهای اروپای مرکزی متمرکزند. این «گفتگوی فرهنگ» کمکی خواهد بود برای ترویج گفتگوی میان مذاهب عمده جهان.

مباحث چندجانبه سیاست فرهنگی بین‌المللی با موضوعات فرهنگی در چارچوب یونسکو، اتحادیه اروپا، شورای اروپا و OSCE، مرتبط است. در یک سطح دوجانبه، کنوانسیون همکاری فرهنگی به‌وسیله ۲۵ کشور امضا شده است (۸ کشور عضو اتحادیه اروپا هستند). به‌علاوه کنوانسیون‌های همکاری دیگری در حوزه‌های علمی و تکنیکی، میان ۱۲ کشور امضا شده است. همکاری‌های غیر رسمی نیز در حوزه‌های فرهنگی و علمی میان ۶ کشور شریک، بدون نیاز به ثبت و نوشتن موافقتنامه‌ای، انجام می‌پذیرد.



۳. اهداف کلان و اصول سیاست فرهنگی

۳-۱. اجزای اصلی مدل فعلی سیاست فرهنگی

سیستم سیاستگذاری اتریش دارای اجزای مختلفی است. در اصل، اتریش یک دولت فدرال بوده و مسئولیت عمومی امور فرهنگی به مؤسسات و مجموعه‌ها (سازمان‌ها)ی مختلف مانند مؤسسه فیلم اتریش و کلتور کنتاکت اختصاص یافته است. به‌علاوه تلاش‌هایی برای عدم تمرکز اختیارات فرهنگی با اصلاحاتی در تئاتر فدرال و تجدید ساختار موزه‌های فدرال، در حال انجام است.

۳-۲. تعریف ملی از فرهنگ

فرهنگ در اتریش فاقد معنای اداری و رسمی است. در قانون اتریش نیز از فرهنگ و توسعه و حمایت از فرهنگ تعریفی ارائه نشده است؛ البته بخشی به‌عنوان «قانون توسعه هنر» گرد آمده است. تعاریف گوناگونی از فرهنگ در قوانین توسعه هنر در بوندس‌لاند‌ها می‌توان یافت که معمولاً فعالیت‌های خاص فرهنگی در هر منطقه را - که باید توسعه یافته و حمایت شود - بیان می‌کند.

۳-۳. اهداف سیاستگذاری فرهنگی

به‌طور کلی اهداف اصلی سیاستگذاری فرهنگی در اتریش در دسته‌بندی ذیل سازماندهی می‌شود:

- نیازهای فرهنگی بنیادین: آزادی بیان هنر و هنرمندی، تکثرگرایی، برابری، نوآوری، خلاقیت، هویت، جهان‌گرایی، شرایط عمومی تشویق و برانگیختن هنرمندان و فراهم کردن امکانات برای نوآوری و دیجیتالی کردن.

- مدیریت: شفافیت، حمایت و تشویق، صلاحیت، اثربخشی، همکنشی بخش خصوصی - عمومی، انعطاف، تمرکززدایی، برنامه‌ریزی قراردادهای توسعه‌ای برای چندین سال، تنظیم خدمات و ارزیابی.

- اهداف سیاسی - اجتماعی: مشارکت، برابری، امنیت اجتماعی، نمایندگی، فهم تأثیرات حوزه فرهنگ بر اقتصاد.



۴. مباحث متداول در سیاست‌های توسعه فرهنگی

۴-۱. اولویت‌ها و مباحث اصلی سیاست‌های فرهنگی

- اولویت‌های سیاست‌های رسانه‌ای (فرهنگی) اتریش از سال ۲۰۰۰، عبارتند از:
- تداوم تجدید سازمان (منابع خارجی) مؤسسات اصلی فرهنگی،
 - ابتکارات گوناگون در حوزه میراث فرهنگی (گردشگری، دیجیتالی کردن و غیره)،
 - اصلاح امنیت سرمایه اجتماعی برای هنرمندان،
 - تأکیدات اصلی بر صنایع خلاق (طرح‌های حمایتی و تحقیقات جدید)،
 - حمایت کردن و توسعه دادن وقایع و جشنواره‌های عمده،
 - ارزیابی حوزه سیاست رسانه‌ای (بنیاد «کوم اتریش»،^۱ اصلاح قوانین رسانه‌ای)،
 - اصلاح قانونی کپی‌رایت (حق مؤلف)،
 - ایجاد تغییر در سرمایه‌گذاری بنیادین؛ از سرمایه‌گذاری پروژه‌محوری به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌ها و انجمن‌های فرهنگی.

۴-۲. مباحث و موضوعات اخیر سیاستی

۴-۲-۱. مقررات^۲ اقلیت‌های فرهنگی

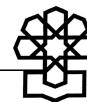
در سال ۱۹۷۶، حکومت فدرال درباره حقوق اقلیت‌های قومی ساکن در اتریش، قانون جدیدی را به نام «قانون گروه‌های قومی» به تصویب رساند که به‌طور ضمنی حقوق اعطا شده در اصل هفتم پیمان دولتی ۱۹۵۵ را کوتاه کرده است.

پنج گروه - که بعد شش گروه شد - به‌عنوان اقلیت‌های قومی در بخش‌های مختلف اتریش شناسایی شده‌اند. این گروه‌ها عبارتند از: اسلونی‌ها (در کارینتیا)، کروات‌ها (در بورگن‌لند)، مجاری‌ها (در بورگن‌لند و وین) و چک‌ها و اسلواکی‌ها (در وین). در سال ۱۹۹۲، اقوام رومی (در تمام بوندس‌لاندرهای اتریش) آخرین اقلیت قومی بوده‌اند که به رسمیت شناخته شدند. بحث دیگر در این باره این است که شرایطی که به حفظ و نگهداری میراث فرهنگی این گروه‌ها مربوط می‌شود به شایستگی و شیوه مناسب اجرا نشده و به کار گرفته نمی‌شود.

طبق سرشماری سال ۲۰۰۱، تعداد اقلیت‌های قومی در اتریش به این شرح است: اسلونی‌ها ۱۸,۰۰۰ نفر، کروات‌های بورگن‌لند ۱۹,۴۰۰ نفر، مجاری‌ها ۲۵,۹۰۰ نفر، چک‌ها ۱۱,۰۰۰ نفر،

1. Komm Austria

2. Provisions



اسلواکی‌ها ۳,۳۰۰ نفر و رومی‌ها - که به‌عنوان یک گروه در سال ۱۹۹۲ به رسمیت شناخته شدند - ۴,۳۰۰ نفر (در مقایسه با ۱۲۲ نفر در ۱۹۹۱). این آمار فقط بخشی از «واقعیت قومی» را در اتریش نشان می‌دهد و به‌طور غیررسمی نرخ بالاتری را بیان می‌کند. به‌علاوه، ترک‌های بسیاری (۱۸۳,۴۰۰ نفر) در اتریش زندگی می‌کنند و همچنین افرادی که از کشورهای یوگسلاوی سابق مانند صرب‌ها (۱۷۷,۳۰۰ نفر)، کروات‌ها (۱۳۱,۳۰۰ نفر) و بوسنیایی‌ها (۳۴,۹۰۰ نفر) و به اتریش آمده‌اند. این افراد به‌طور رسمی در دولت اتریش، اقلیت‌های قومی به حساب نمی‌آیند. البته آن‌ها به‌عنوان گروه‌های مهاجر شناخته می‌شوند که در گذشته «Gastrarbeiter» نامیده می‌شدند.

مهاجران^۱ به‌طور رسمی، جزء اقلیت‌های فرهنگی محسوب نمی‌شوند؛ بنابراین حقوق مخصوص اقلیت‌ها که حافظ هویت فرهنگی آن‌هاست، به مهاجران تعلق نمی‌گیرد.

باید یادآوری کرد مهاجرانی که به‌عنوان گروه‌های اقلیتی شناسایی شده‌اند، بسیار بیش‌تر است مثلاً طبق سرشماری سال ۱۹۹۹، تعداد اسلوانی‌های ثبت‌نام کرده ۲۰,۲۰۰ نفر بوده‌اند در حالی که در کل حدود ۳۳۹,۰۰۰ نفر مهاجر از یوگسلاوی سابق به اتریش آمده بودند.

در سال ۱۹۹۹ معاونت هنری صدراعظم فدرال، گزارشی را درباره «تنوع فرهنگی در اتریش» تهیه کرد. این گزارش بخشی از مطالعات عرضی هفت کشور است که زیر نظر شورای اروپا توسعه یافته و سازماندهی شده است.

به‌طور خلاصه، برنامه‌ریزی هنری خاصی برای اقلیت‌های قومی به‌وسیله معاونت هنری حکومت فدرالی در اتریش وجود ندارد. به هر حال بخش حقوقی گروه‌های قومی در صدراعظم فدرال مسئول فراهم کردن زمینه‌ها و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی آن‌هاست. اقلیت‌های جدید فرهنگی (مهاجران) به‌طور رسمی به‌عنوان اقلیت شناخته نمی‌شوند، از این رو تحت حمایت قرار نمی‌گیرند یا حقوق قانونی اقلیت‌ها شامل این افراد نمی‌شود. مگر این‌که کمک مالی برای فعالیت‌های فرهنگی این گروه‌ها، از طریق بودجه فرهنگی معمولی در سطح ملی، محلی و منطقه‌ای فراهم شود. از سال ۱۹۹۸، بخش خاصی برای فعالیت‌های بین فرهنگی و بین‌المللی درون معاونت فرهنگی شهر وین، حمایت‌هایی را از طرح‌های انجمن‌های مرتبط با فعالیت‌ها و موضوعات مهاجران، به عمل آورد.

در سال ۲۰۰۰، قانون گروه‌های قومی، به‌عنوان یک تعریف ملی، در قانون اساسی (اصل ۸ ماده (۲))، تثبیت شد. در سال ۲۰۰۱، حکومت منشور اروپایی درباره زبان‌های منطقه‌ای یا اقلیتی را امضا کرد. در سال ۲۰۰۵ در چارچوب کنوانسیون یونسکو درباره حفظ تنوع محتوای فرهنگی و بیان هنری، چندین واقعه اطلاعاتی با گستره ملی و بحث‌های مختلفی در این باره، سازماندهی شد.

۱. کسانی که از دهه ۱۹۶۰، عمدتاً از یوگسلاوی سابق و ترکیه به اتریش آمدند.



۲-۲-۴. موضوعات و مباحث مرتبط دیگر

در سال‌های اخیر پیوستگی همکاری بین مرزی افزایش یافته است. در سطح فدرال، معاونت هنری از یک ابتکار عملی در اروپای مرکزی و شرقی درباره موسیقی و تئاتر با همکاری «دویچه بانک استیف تانگ»^۱ حمایت می‌کند. از سال ۲۰۰۱ حاکمان فدرال و منطقه‌ای جوایز فعالیت‌های بین مرزی را تضمین می‌کنند. علاوه بر شبکه‌ها و شرکای موجود (Arge Alpen, Arge Donaulandre, Euregios, Adlia, ...)، شبکه‌ها و موضوعات جدیدی در نظر گرفته شده است. از جمله: همکاری‌های فرهنگی اتریش - چک از سال ۲۰۰۲ و استرات کولت استراتژی برای فرهنگ^۲ با هدف توسعه یک طرح بلندمدت برای همکاری در حوزه فرهنگ و سرمایه‌های ساختاری با مشارکت کشورهای اروپای مرکزی فنلاند با رهبری حکومت برتر اتریش.

منطقه اروپای مرکزی، در سال ۲۰۰۳ تشکیل شد تا به همکاری در حوزه‌های اقتصادی و بازار کار، توسعه منطقه‌ای، زیرساخت‌ها، فرهنگ، بازاریابی نواحی محلی و روابط عمومی در مرز چهار جانبه میان کشورهای جمهوری چک، اسلواکی، مجارستان و اتریش بپردازد.

۳-۲-۴. مباحث زبانی و سیاست‌ها

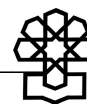
زبان اکثر مردم اتریش، آلمانی است. زبان‌های اقلیتی - که تحت پوشش قانون گروه‌های قومی به رسمیت شناخته شده‌اند - شامل زبان‌های کرواتی و مجاری (بیشتر در بورگنلند) و اسلونی (بیشتر در کارینتیان) است. آموزش زبان در مدارس بورگنلند به تعداد دانش‌آموزانی که در آن مدرسه به زبان دوم صحبت می‌کنند، بستگی دارد. زبان مجاری در سطح ابتدایی، برای اقلیت مجاری در بورگنلند، آموزش داده می‌شود. برای بزرگ‌ترین اقلیت قومی در اتریش، (اسلونی‌های ساکن کارینتیان) آموزش سطح دوم به زبان اسلونی فراهم آمده که «حق آموزش اقلیت» نامیده می‌شود.

۳-۲-۴. کثرت‌گرایی رسانه‌ای و تنوع محتوا

از زمان منحل شدن انحصار شرکت تعاونی سخن پراکنی اتریش،^۳ عرصه رسانه‌ای اتریش در گروه‌های ذیل تقسیم شده است:

- سخن پراکنی‌های عمومی و روزنامه‌ها،^۴
- حوزه خصوصی و سودده (رادیو، تلویزیون و نشریات خصوصی)،
- حوزه غیرانتفاعی (رادیو آزاد، روزنامه‌های فرهنگی، ویراستارها).

1. Deutsch e- Bank Stif Tung
2. Stratcult
3. ORF
4. Gazettes, ORF



در اتریش ویژگی اصلی چشم‌انداز رسانه در حوزه روزنامه‌ها متمرکز شده است و در جهان بیش‌ترین میزان را داراست. در سال ۱۹۸۸ دو روزنامه عمده اتریش، روزنامه Kronenzeitung (این روزنامه، به‌عنوان رسانه‌ای برای ۵۰ درصد خانواده‌های اتریشی بود) و روزنامه Kurier در حال تبدیل به یک کارتل روزنامه‌ای بودند. بروز پدیده بزرگ دیگری در سال ۲۰۰۱، وضعیت را سخت‌تر کرده‌اند: در حال حاضر یک گروه انتشاراتی سه هفته‌نامه خبری سیاسی - اقتصادی عمده (نیوز، فورمت، پروفیل و نیز ترند)، مجلات رسانه‌ای (تی وی مدیا، ای مدیا) و هفت مجله زرد (مجله‌های عوام پسند) و مدل زندگی را انتشار می‌دهد.

در سال ۲۰۰۱، تنوع محتوا بیش از حد محدود شد که این امر به کاهش یارانه‌های دولتی برای توزیع روزنامه - که در نهایت در ژانویه ۲۰۰۲ منسوخ شد - مربوط بود. این امر باعث شد که مسائل مالی قابل توجهی برای روزنامه‌ها و مجلات کوچک‌تر ایجاد شود. بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی سازمان‌ها، مؤسسات و سازمان‌های مردم‌نهاد، از امور بازرگانی خارج شدند. زیرا آن‌ها به توزیع نشریات خود، به‌خصوص در سطح منطقه‌ای متکی بودند. در سال ۲۰۰۲، دولت جزئیات اصلاحات آینده سیستم را علنی کرد و در سال ۲۰۰۵، تعهد پرداخت کمک به تبلیغات در روزنامه‌ها (۱۰۰ میلیون یورو در سال ۲۰۰۱) منسوخ شد.

از سال ۲۰۰۰، تغییرات بسیار مهمی در حوزه رسانه‌های الکترونیکی به وقوع پیوست:

- برای استفاده از تلویزیون خصوصی در اتریش «قانون تلویزیون خصوصی» در سال ۲۰۰۱، تصویب شد.

- پروانه ۲۳ ایستگاه رادیویی منطقه‌ای و محله خصوصی از طریق «قانون رادیوی خصوصی» صادر شد.

- یک مرجع ناظر بر رسانه‌ها (مرجع ارتباطات اتریش)^۱ تحت کنترل صدراعظم فدرال ایجاد شد.

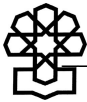
۴-۴. صنایع فرهنگی: توسعه، برنامه‌ها و شرکا

امروزه، صنایع خلاق در اتریش به موضوع مهمی تبدیل شده‌اند. این امر با نظرسنجی سال ۲۰۰۱ - که حوزه صنایع خلاق را در بوندس‌لندر بورگن‌لند مورد بررسی قرار دارد - آغاز شد.

یک سال بعد اولین گزارش اقتصاد خلاق اتریش تهیه و منتشر شد.^۲ این گزارش بر پتانسیل‌های اقتصادی صنایع خلاق اتریش و بر یک رشد مورد انتظار در حوزه ملی سال‌های اخیر تأکید داشت. در نتیجه، یک مرکز رقابت برای اقتصاد خلاق به‌وسیله اتاق بازرگانی فدرال ایجاد شد.

1. Komm Austria

2. KMForschung Austria , 2003



برنامه جدید حمایت^۱ با سرمایه‌ای حدود ۳/۸ میلیون یورو (تا پایان سال ۲۰۰۵)، اجرا خواهد شد و نقطه تمرکز آن بر موسیقی، چندرسانه‌ای و طراحی است. این برنامه بخشی از استراتژی ملی و به‌منظور توسعه پتانسیل نوآوری و رقابت مؤسسات اتریشی در حوزه CI و افزایش تعداد مؤسسات و مشاغل در این حوزه و غیره، مورد توجه است.

در سال ۲۰۰۲، یک طرح حمایتی برای مؤسسات حوزه صنایع خلاق آغاز شد و به‌عنوان اولین کار، پروژه رسانه جدید و ۱۰۹ طرح پیشنهادی را در پیش گرفت (۱۶ طرح قبلاً تحت حمایت قرار داشت).

در سال ۲۰۰۳ «مطالعه در مورد پتانسیل اقتصادی در حوزه صنایع خلاق در وین» انجام شد. این مطالعه به تحلیل و ارزیابی بازار، نوآوری و ظرفیت شغلی حوزه‌های اقتصاد بازارمحور مانند طراحی مد و گرافیک، تبلیغات، چندرسانه‌ای و معماری و به‌مواردی - که در تقاطع هنر و تجارت هستند - مانند ادبیات و نشر، موسیقی، فیلم، هنرهای زیبا و بازار هنری و هنرهای نمایشی، کتابخانه‌ها و موزه‌ها در اتریش می‌پردازد. بعضی از نتایج این مطالعه به شرح ذیل است:

• ۲۴ درصد تمامی شرکت‌های وین (۱۸۰۰۰ شرکت) با داشتن حدود ۱۰۰,۰۰۰-۱۲۰,۰۰۰ کارمند (حدود ۱۴ درصد از همه آن‌هایی که درآمد خوبی دارند) برای این‌که بخشی از نیروی انسانی حوزه صنایع خلاق باشند، مورد توجه هستند.

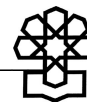
• رشد استخدام در این عرصه، بین سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲، ۶ درصد بوده و این در حالی است که متوسط رشد ۲ درصد در کل اقتصاد بود.

• از میان ۱۸۰۰۰ شرکت، ۴۸/۲ درصد مؤسسات، تک‌نفره (با یک نفر عضو)، ۴۷/۹ درصد از ۱ تا ۱۹ کارمند، ۳/۲ درصد از ۲۰ تا ۹۹ کارمند، ۰/۵ درصد از ۱۰۰ تا ۲۴۹ کارمند و ۰/۳ درصد بیش از ۲۵۰ کارمند دارند.

• سطح کیفیت این عرصه بالاتر از حد میانگین بود. یک چهارم ($\frac{1}{4}$) کارمندانی که درآمد خوبی داشتند دارای مدارک دانشگاهی و بیش از ۴۴ درصد نیز دارای مدارک آموزشی معادل سطح (A) بودند. در سال ۲۰۰۳ شرکت «Departure-wirtschaft, kunst and kultur GmbH» به‌وسیله شورای شهر وین و به‌عنوان حامی اقتصادی و دفتر خدماتی برای حدود ۱۸,۰۰۰ مؤسسه صنایع خلاق در وین، بنا نهاده شد. از سال ۲۰۰۴ (تا پایان ۲۰۰۵) در مجموع ۷ میلیون یورو یارانه به حوزه‌های مد، موسیقی، چندرسانه‌ها و طراحی داده شد.

در سال ۲۰۰۵، تأمین اعتبار موسیقی به‌عنوان یک عمل شراکتی عمومی - خصوصی میان معاونت هنری صدراعظم فدرال و مؤسسات عمده در حوزه موسیقی با هدف پیشرفت توزیع و

1. Ip: Impuls programm creativ wirtschaft



بازاریابی حرفه‌ای تولیدات موسیقی در داخل و خارج از مرز اتریش با درآمدی حدود ۶۰۰,۰۰۰ یورو در سال ایجاد شد.

همه این ابتکارات و فعالیت‌ها با این نگرانی و دلهره همراه بود که تمرکز بر صنایع خلاق باعث کاهش حمایت عمومی از مقوله هنر می‌شود.

۴-۵. سیاست‌های استخدامی برای حوزه فرهنگی

اشتغال و استخدام، به‌عنوان بزرگ‌ترین و ضروری‌ترین چالش اروپایی‌ها در دهه ۱۹۹۰، در رأس برنامه‌های حکومت قرار داشت. در سال ۱۹۹۹، حوزه فرهنگ نیز به بخشی از استراتژی استخدامی مالی اتریش تبدیل شد. رونق‌یابی حوزه فرهنگ و صنایع رسانه‌ای با بالا رفتن میزان درآمد، به‌عنوان یک منبع برای مشاغل جدید به‌وسیله حکومت شناخته شد. «فرهنگ و اشتغال» از موضوعات اصلی سیاستگذاری فرهنگی در دوران ریاست اتریش بر اتحادیه اروپا (نیمه دوم سال ۱۹۹۸) از طریق کنفرانس «رقابت فرهنگی: فناوری‌های جدید، فرهنگ و اشتغال»، محسوب می‌شدند. چند مطالعه درباره اشتغال در حوزه فرهنگ منتشر شد. این مطالعات طبق گروه‌بندی ذیل به این شرح هستند:

- «اتاق کارگر» درباره «حوزه اقتصادی فرهنگ و تفریح» به‌عنوان بخشی از بازار کارگر وین، مطالعه‌ای انجام داد که براساس این مطالعه عمده‌ترین ضعف در اتریش، توسعه و به‌کارگیری کالاهای فرهنگی است و در عین حال قوی‌ترین مسأله نیز بعد خلاقیت تولید فرهنگی است.^۱
- «تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در اشتغال و کیفیت‌ها» با مشاوره و تحقیق بازار کار انجام گرفت. این مطالعه بیان می‌کند که حوزه فرهنگ در مقایسه با حوزه‌های صنعتی قدیمی‌تر، امید زیادی برای کارآفرینی فراهم می‌آورد و برنامه‌های کارآموزی برای کارگران فرهنگی و افراد خلاق باید به‌وسیله اداره خدمات بازار کار به اجرا درآید.

- مؤسسه «Osterreichische Kulturdocumentation Internationales Archive fur kulturanalysen» در یک مطالعه اروپایی که در بخش اشتغال و امور اجتماعی اتحادیه اروپا درباره «بهره‌برداری و توسعه ظرفیت شغلی در حوزه‌های فرهنگی» تهیه و در ژوئای ۲۰۰۱ ارائه شده بود، مشارکت داشت. اصلی‌ترین هدف این مطالعه توسعه استراتژی‌های جدید برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های شغلی در حوزه فرهنگ بود. استراتژی‌های ارائه شده در گزارش نهایی بر حمایت و توسعه شفافیت و بسیج فراملیتی بازار کار فرهنگی و نیز مقدمه‌سازی برای سیاست‌های آموزش و پرورش مناسب درباره حرفه‌ای‌های این حوزه و بهسازی شرکای جدید در سطوح محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی

۱. گلدنر، ۲۰۰۰.



مبتنی بود. از طرفی گفته می‌شود که دیجیتالی کردن میراث فرهنگی برای بازار کار فرهنگی در اروپا چالشی ایجاد خواهد کرد.

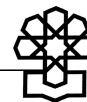
• شریک توسعه برابر، کارها و خدمات هنری در حوزه سوم، در پی پیشبرد توسعه عرصه‌های کاری جدید برای هنرمندان در حوزه سوم (کار اجتماعی و حفظ سلامت) است. این پروژه در سپتامبر ۲۰۰۲ آغاز شد و سی ماه به طول انجامید و ۱۲ سازمان اتریشی در آن شریک بودند که از میان آن‌ها سازمان OKS، مؤسسه مفهوم فرهنگ^۱ و تحقیق^۲ را می‌توان نام برد. براساس سرشماری سال ۲۰۰۱، تعداد ۴۷,۹۰۰ نفر در استخدام حوزه حرفه‌ای فرهنگ بودند که این تعداد معادل ۱/۲ درصد از کل کارکنان اتریش است. بزرگ‌ترین گروه حرفه‌ای داخلی و دیگر طراحان تجاری (۱۲,۰۰۰ نفر)، نویسندگان و روزنامه‌نگاران (۱۱,۸۰۰ نفر)، عکاسان و عوامل سیستم‌های ضبط صدا و تصویر (۶,۲۰۰ نفر) و آهنگسازان، نوازندگان و خوانندگان (۵,۰۰۰ نفر) بوده‌اند. گفتنی است ۵۹ درصد از کل این افراد را مردان تشکیل می‌دهند و حدود ۷۳ درصد از شاغلین در حوزه حرفه‌ای فرهنگ، بین ۲۵ تا ۴۹ سال سن دارند. از نظر منطقه‌ای نیز ۴۴ درصد از حرفه‌ای‌های فرهنگ (۲/۶ درصد از شاغلین وین) ساکن وین بودند. ۳۷ درصد کارمندان حوزه فرهنگ به‌طور قابل تأملی به خوداشتغالی علاقمند بودند که در مقایسه با کل جمعیت شاغل، این تعداد معادل ۱۱ درصد است و حدود ۵۸ درصد از افرادی که در عرصه حرفه‌ای فرهنگ فعالیت می‌کنند دارای مدارک دانشگاهی یا بالاتر هستند.

۴-۶. فناوری‌های جدید و سیاست‌های فرهنگی

در آوریل ۲۰۰۰، دولت با ابتکار «اینترنت اتریش در اینترنت اروپا»^۳ موافقت کرد. عمده تمرکز آن بر دیجیتالی کردن میراث فرهنگی، همگام با برنامه‌های خاص از جمله میراث فرهنگی دیجیتالی اتریش به‌منظور دیجیتالی کردن کارهای فرهنگی و علمی - دانشگاهی، قرار داشت. کتابخانه ملی اتریش - که از سال ۲۰۰۲ به‌عنوان یک مؤسسه خودگردان دولت فدرال محسوب شد - در تلاش است تا استانداردهای جدیدی را در این حوزه ایجاد کند. به‌علاوه وزارت فدرال آموزش، علوم و فرهنگ^۴ در مدارس پروژه‌هایی را اجرا کرده است. از جمله پروژه «جایزه سواد رسانه‌ای» سالانه و همچنین تهیه نرم‌افزاری که در سایت <http://www.museumonline.at>، برای توسعه همکاری‌ها میان موزه‌ها و مدارس با استفاده از نوآوری‌های فناوری، طراحی شده است.

سطح حمایت از هنرهای رسانه‌ای در مقایسه با سایر حوزه‌ها، بسیار پایین است. بازیگر

1. Fur Kulturkonzepte
2. Joanneum
3. e-Austria in e-Europe
4. BMBWK



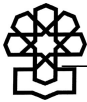
متولی) اصلی در این حوزه «ارس الکترونیکا»^۱ در «لینز»^۲ است که یکی از مهم‌ترین جشنواره‌های نرم‌افزارهای هنری و رسانه‌های جدید در اروپا را سازماندهی می‌کند. امروزه، بخش فرهنگ شهر وین، برنامه حمایتی جدیدی از فعالیتهای فرهنگی شبکه‌ای آغاز کرده است. این برنامه در واقع دو نوع حمایت، با فرایندهای تصمیم‌گیری متفاوت، فراهم آورده است. از یک سو، اعطای کمک‌های بلاعوض به پروژه‌های کوچک و «تازه واردان» - که کمک‌های کمی را از بخش فرهنگ دریافت می‌کنند - و پروژه‌های با مقیاس وسیع - که ۹۰ درصد از سرمایه در دسترس را دریافت کنند - و از سوی دیگر اعطای اعتبارات به زیرساخت‌ها، خدمات و وقایع هنری. این تصمیم مبتنی بر پیشنهادی بود که در «صحنه فرهنگ شبکه» ارائه شده بود. به هر حال، منتقدان نگاهی معترضانه به این مدل جدید دارند.

۴-۷. آموزش هنر^۳: برنامه‌ها و مدل‌ها

وزارت فدرالی آموزش، علوم و فرهنگ، متولی و مسئول اصلی موضوعات مرتبط با آموزش هنر در مدارس است. در سطح ابتدایی، آموزش هنری عموماً شامل موسیقی، هنرهای بصری، طراحی لباس و تکنیکی - که عمدتاً به شکل بازی و سرگرمی ارائه شود - است. براساس سرخطهای سیاست آموزشی جدید برای این سطح، مدارس خصوصی به‌طور فزاینده‌ای به تعریف و تعیین طرح‌ها و برنامه‌های خود درباره هنر ملزم هستند. از این رو دانش‌آموزان مدارس درجه دوم، دارای حق انتخاب متنوعی از موضوعات هنری هستند. این موضوعات شامل هنرهای نمایشی (عمدتاً اختیاری) یا مشارکت در گروه کُر مدرسه یا دسته و گروه‌های موسیقی است. عموماً بسیاری از مدارس تخصصی آموزش هنر را (برای دانش‌آموزان با حداقل سن ۱۵ سال)، به‌صورت برنامه‌ای خاص ارائه نمی‌کنند. اما بعضی از مدارس خصوصی به‌طور مثال در حوزه موسیقی، هنرهای زیبا، حرکات موزون، گرافیک، طراحی یا مد لباس برنامه آموزشی ویژه دارند. برنامه‌های آموزشی فردی هنر، مثل تبادل هنرمند بین مؤسسات فرهنگی و مدارس با فعالیتهای مؤسسه قدیمی «خدمات فرهنگی»^۴ - که این مؤسسه در حال حاضر بخشی از کولتورکنتاکت اتریش است - به‌عنوان یک مؤسسه خدماتی برای آموزش فرهنگی و انتشار و پخش آثار هنری در مدارس اتریش، از سال ۱۹۷۷ توسعه یافته بود.

آموزش هنری زیر نظر مؤسسه‌ای با عنوان «اوقات خارج از مدرسه» در مدارس موسیقی، مدارس آوازخوانی کودکان یا جوانان و مراکز فرهنگی و عمدتاً به‌وسیله استان (بوندرس‌لاندر)ها و

1. Ars Electronica
2. Linz
3. Art Education
4. Osterreichische



در سطح جامعه ارائه می‌شود. در حال حاضر سیستم مدارس اتریش به تدریج از نصف روز در مدرسه، به کل روز در مدرسه در حال تغییر است. همکاری‌های جدید دیگری میان مدارس و مؤسسات بیرون از مدرسه در برنامه و دستور کار دولت قرار دارد.

همزمان با این همکاری‌ها برنامه‌های آموزشی مؤسسات فرهنگی، به خصوص برای کودکان و نوجوانان به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است. با قانونی کردن تأمین اعتبار عمومی و همچنین به‌منظور جستجو برای راه‌های پاسخگویی به نیازهای جدید مخاطبان، آموزش هنری، به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های بازاریابی جدید به‌خصوص برای موزه‌ها و سالن‌های نمایش و نیز سالن‌های موسیقی و تئاتر، ارائه شده است. علاقه و تمایل عمومی به حمایت از خلاقیت و ظرفیت زیبایی‌شناسی جوانان (و نوجوانان) باعث ایجاد مؤسسات فرهنگی شد که به گروه‌های پیش‌آهنگ جوانان (موزه اوج گرفتن بچه‌ها، dchungle، خانه تئاتر نوجوانان و جوانان) اختصاص یافت. از آنجایی که مؤسسات فرهنگی در همه سطوح سیاسی و مدیریتی سازمان‌دهی شده‌اند؛ بنابراین مسئولیت سیاسی آشکاری در این حوزه وجود ندارد. از آغاز تا به امروز، عموماً آموزش هنرهای گفتاری، در برنامه‌های سیاسی فرهنگی (بجز طرح‌های توسعه فرهنگی شهرهای منتخب مانند لینز یا سالزبورگ) جایگاه مناسبی نیافته است. از این رو سیاست‌های فرهنگی در مؤسسات فرهنگی برای ارائه برنامه‌های آموزشی خود از انگیزه کمی برخوردارند.

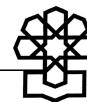
در سال ۱۹۹۸، با تصویب قانون جدیدی، شش کالج هنری (در گراز^۱، لینز، سالزبورگ و سه تا در وین) برای برنامه‌هایی از جمله موسیقی، طراحی، داستان‌نویسی، نقاشی و مجسمه‌سازی، تبدیل به دانشگاه شدند. نخستین مدرسه تخصصی رسانه‌ها و طراحی در سال ۱۹۹۴ افتتاح شد. در سال ۲۰۰۴ دانشگاه خصوصی آنتون بروکنر (دانشگاه بروکنر - کونزراتوریوم سابق) با رشته‌های موسیقی، هنرهای نمایشی و حرکات موزون تأسیس شد.

در سال ۲۰۰۵ کونزراتوریوم وین نیز به دانشگاه خصوصی تبدیل شد. در پنج سال گذشته، تعداد دوره‌های تحصیلات عالی در داخل و خارج از دانشگاه‌های موجود افزایش یافت که این دوره‌ها بیش‌تر به رشته‌های مدیریت فرهنگی، ارتباطات بین فرهنگی، هنر مداخله‌ای، علوم تصویری، بایگانی، موسیقی، طراحی، مدیریت مراحل و وقایع و مدیریت موزه و نمایشگاه مربوط بود.

۴-۸. مباحث میراث فرهنگی و سیاست‌ها

تعدادی از مهم‌ترین مؤسسات فرهنگی در حوزه میراث عبارتند از: موزه فدرال و موزه اصلی شهر وین، کتابخانه ملی اتریش، فونوتیک اتریش (آرشیو صدا)، کاخ ارکستر وین، اداره فدرال ابنیه

1. Graz



تاریخی، آرشیو فیلم اتریش و موزه فیلم اتریش.

هر یک از این مؤسسات فرهنگی با توجه به ساختار سازمانی، قضائی و اقتصادی خود تغییر خواهند کرد. مهم‌ترین مسأله در اصلاحات، تصمیم‌گیری برای اعطای جایگاه قانونی کامل به این مؤسسات در سطح فدرال و تبدیل آن‌ها به مؤسسات علمی تحت قوانین عمومی بود که این خود گام مهمی به سوی خودگردان نمودن آن‌ها بود. جایگاه‌های جدید مؤسسات به‌وسیله وزارت فدرال آموزش، علوم و فرهنگ برای هر یک از حوزه‌های فدرال تهیه می‌شد.

از سال ۱۹۸۰، طرح تأسیس موزه‌های اصلی در نظام پادشاهی سابق وین مورد بحث قرار گرفته بود. طرح برتر - که ده سال مورد اصلاح و تعدیل قرار داشت - در یک رقابت معماری در سال ۱۹۹۰ برگزیده شد. این تأخیر از کشمکش‌ها و تلاش‌های عمومی رسانه‌ها از سوی شهروندان درباره این پروژه ناشی می‌شد. موزه‌های اصلی تحت نظر مؤسسات فرهنگی عبارتند از: موزه هنرهای مدرن لودویگ فوندیشن، موزه لئوپولد، کنست هال وین، سالن‌های دو رویداد و جشنواره، آرچیتکتور زنتروم وین، استودیوهای هنرمندان، یک موزه و سالن تئاتر برای بچه‌ها و دیگر مؤسسات فرهنگی (ایستگاه سخن پراکنی و تلویزیون خصوصی). «موزه اصلی ۲۱» که در سپتامبر ۲۰۰۲ افتتاح شد، فضایی برای فعالیت‌های فرهنگی کوچک خودگردان فراهم آورد.

همچنین میراث فرهنگی به‌عنوان عامل مهمی در توسعه گردشگری مورد توجه است. برای مثال برنامه استراتژیک «گردش فرهنگی اتریش» در سال ۲۰۰۴ و با اعتبار یک میلیون یورویی وزارت امور اقتصادی و کار و وزارت آموزش، علوم و فرهنگ آغاز شد. این برنامه دو ساله با همکاری متخصصان بین‌المللی و برای یک استراتژی میان و بلندمدت در امر گردشگری فرهنگی در اتریش طراحی شده بود. در این برنامه باید مراکز فرهنگی منطقه‌ای مورد حمایت قرار می‌گرفتند تا بتوانند معیارهای تولیدات گردشگری فرهنگی خود را برای بین‌المللی شدن، توسعه بخشند. پروژه‌های دیگر به تورهای موسیقی اتریش و بهسازی و پیشبرد استراتژی‌های مربوط به بین‌المللی‌سازی بناهای تاریخی و موزه‌های غیرپایتختی (خارج از پایتخت) مربوط بود.

۵. مقررات قانونی اصلی در حوزه فرهنگی

۵-۱. قانونگذاری کلی و عمومی

هدف بخش مقررات قانونی برای فرهنگ، عبارت است از آشنایی با ابزار قانونی استفاده شده برای حمایت از فرهنگ در کشورهای مختلف.

بررسی این بحث، شما را با اطلاعاتی راجع به آن بخش از مقررات عمومی که تأثیر مهمی بر



فرهنگ دارند، آشنا می‌کند. برای مثال بندهایی از قوانین یا مقررات کشورها بیان می‌شود که این قوانین برای اعمال حاکمیت بر تخصیص سرمایه‌های عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد. بخش دوم این بحث ارائه‌کننده فهرستی از بررسی مقررات اصلی برای فرهنگ است. شاید بعضی از کشورها دارای هزاران قانون و بعضی دیگر فقط یک قانون فرهنگی داشته باشند. بخش سوم این بحث به‌عنوان یک زیرمجموعه اطلاعاتی را راجع به بخش مقررات ویژه در حوزه‌های ذیل ارائه می‌کند. این حوزه‌ها عبارتند از: هنرهای بصری و کاربردی، هنرهای نمایشی و موسیقی، میراث فرهنگی، ادبیات و کتابخانه‌ها، معماری و محیط زیست، فیلم، ویدئو و عکاسی، صنایع فرهنگی و رسانه‌های جمعی.

۱-۱-۵. قانون اساسی

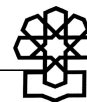
هر تلاشی برای ارزیابی مقررات قانونی غالب در حوزه فرهنگ اتریش با دو عامل روبه‌رو خواهد بود: اول این‌که اتریش یک دولت فدرال است با استقلال بوندس‌لاند‌ها. این استقلال در واگذاری مسئولیت نسبت به فرهنگ در بوندس‌لاند منعکس می‌شود. دوم این‌که قانون اساسی فدرال اتریش به صراحت به فرهنگ و هنر اشاره‌ای نکرده است. مقررات مربوط به قوانین مدون در حوزه فرهنگ در یک قانون جامع فرهنگی وضع و تنظیم نشده و همچنین به‌طور سیستماتیک جمع‌آوری نشده است. بنابراین هر یک از قوانین موضوعه مربوط به حوزه فرهنگ در تمام سیستم حقوقی یافت می‌شود. برای مثال در قانون اساسی فدرال (بخش ۲-۱-۵) یا «قانون اصلی حقوق مدنی» شامل آزادی برای هنر (بند «۱۷»، مصوب ۱۹۸۲).

۲-۱-۵. تفکیک قوا

اصل ۱۵، بند «۱» قانون اساسی فدرال اظهار می‌دارد که تمامی اموری که برعهده حکومت ملی گذارده نشده؛ برعهده بوندس‌لاند است. از جمله فرهنگ؛ اما در اصل ۱۰، مسئولیت امور حاکمیتی مانند آرشیوهای علمی و تکنیکی و کتابخانه‌ها، مجموعه‌های هنری و علمی و تسهیلات فدرالی (موزه فدرال، کتابخانه ملی)، تئاتر فدرال، ابنیه تاریخی، عناوین مذهبی، سرمایه‌ها و اعتبارات برعهده حکومت ملی است. بوندس‌لاند مسئول حفظ چهره شهر و روستاها، سرمایه‌گذاری و تأمین اعتبارات مربوط به بوندس‌لاند، تئاترها، سینماها، وقایع [هنری]، میراث [فرهنگی] و هنرهای بومی و سنتی است. اما طبق اصل هفدهم قانون اساسی فدرال، حکومت ملی و بوندس‌لاند به‌عنوان حامیان قانون مدنی، قادر به سلب اختیار از خود نیستند.

۳-۱-۵. تخصیص اعتبارات عمومی

«قانون توسعه هنر فدرال» در سال ۱۹۸۸ مورد پذیرش و در سال‌های ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ مورد



تجدیدنظر قرار گرفت. این قانون شامل مقرراتی است. از جمله این که بودجه فدرال باید دربردارنده سرمایه لازم برای توسعه هنرهای عمومی باشد و جایگاه اجتماعی هنرمندان و چارچوب حامیان خصوصی به بهسازی نیازمند است. این قانون تصریح می‌کند که توسعه باید اساساً به سوی «هنر معاصر، تغییرات ذاتی و تنوع آن» هدایت شود و از حوزه‌هایی که باید از طریق تولید، معرفی، انتشار و حفظ کارها و اسناد، حمایت شوند؛ فهرستی تهیه شود و همچنین تسهیلات تأمین‌کننده این اهداف نیز باید مورد حمایت قرار گیرند. این قانون همچنین معیارهای اتخاذ شده فردی - شخصی را (مانند اعتبارات، اهدایی‌ها، تملک‌ها، قرض‌ها، حق‌العمل‌ها، جوایز) فهرست می‌کند.

از سال ۱۹۷۳ یک سیستم مشورتی ایجاد شد که این سیستم دربردارنده سازمان‌های ویژه‌ای مانند هیأت منصفه برای اتخاذ تصمیمات درباره اعطای سرمایه بود. نکته دیگر که در قانون ذکر شد مبنی بر لزوم پرهیز از کشمکش بالقوه اختیارات، میان حکومت فدرال و ایالت‌ها به‌ویژه درباره به‌کارگیری اصول «یارانه‌ها» بود. با وجود این حکومت فدرال از فعالیت‌ها و پروژه‌ها در سطح منطقه‌ای و محلی - که دارای منافع فرامنطقه‌ای بوده یا به‌عنوان یک ویژگی جدید شایسته تقلید باشند، یا آن‌که در یک حوزه برنامه توسعه صرف قرار داشته باشند - حمایت می‌کند.

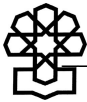
به استثنای وین، همه بوندس‌لاندرها دارای «قانون توسعه فرهنگی» خود - که غالب آن‌ها در دهه ۱۹۸۰ به اجرا درآمده‌اند - هستند.

«قانون حمایت از هنر» (۱۹۸۱) بیان می‌دارد که علاوه بر هزینه‌های ماهانه رادیو تلویزیون، کمک مناسب دیگری برای حمایت از هنر معاصر در نظر گرفته شده و بین دولت و بوندس‌لاندرها (استان‌ها) به نسبت ۷۰ به ۳۰ توزیع می‌شود. ۸۵ درصد از سهم دولت به معاونت هنری صدراعظم فدرال تعلق می‌گیرد و بقیه نیز برای حفظ میراث و موزه‌ها خرج می‌شود. در سال ۲۰۰۰ کمک‌های بیشتری به اعتبارات بیمه تأمین اجتماعی اختصاص یافته است (بخش ۴-۱-۵ را ببینید).

۴-۱-۵. چارچوب‌های تأمین اجتماعی

در گذشته مقررات تأمین اجتماعی هنرمندان شامل تمام حوزه‌های حرفه‌ای آنان نمی‌شد و قوانین خاصی برای ضمانت حمایت از تمام حوزه‌های هنری وجود نداشت و فقط هنرمندان حوزه‌های موسیقی و هنرهای بصری تحت پوشش تعهدات مقررات تأمین اجتماعی قرار گرفته بودند. هنرمندان دیگر برای ثبت‌نام در طرح‌های مختلف بیمه تأمین اجتماعی دارای حق انتخاب بودند. صندوق‌هایی برای کمک به هنرمندان ایجاد شده بود تا هنرمندان را در پرداخت سهم پرداختی (بدون تعهد) خود به بیمه تأمین اجتماعی یاری کنند. برای مثال صندوق کونستلربیلف^۱، اما قانون تجدیدنظر قانونی کار و تأمین اجتماعی (۱۹۹۷) تغییری ابتدایی در آن ایجاد کرد: تا قبل از سال

1. Kunstler bilf fonds



۱۹۹۷ هنرمندان به‌طور گسترده تحت پوشش طرح‌های تأمین اجتماعی متفاوتی قرار داشتند که به جایگاه حرفه‌ای، ماهیت روابط کار و زمینه کاری آن‌ها بستگی داشت. این تجدیدنظر شرایط کارگران را تنظیم کرد و قراردادهای کاری را برای همه کارگران مستقل و آزاد در قالب یک ورکفرتراک^۱ (قرارداد خوداشتغالی جدید) - اصطلاحی است برای کسانی که کاری را انجام می‌دهند بدون آن‌که مجوز تجاری داشته باشند یا یک فریر دینسفرتراک^۲ (قرارداد خوداشتغالی خدمات) بسته به اهمیت کار، طراحی کرد. کسانی که تحت قراردادهای اخیر کار می‌کنند نسبت به افرادی که به‌صورت خوداشتغالی کار می‌کنند از پوشش اجتماعی بیشتری برخوردارند؛ اما بهره‌مندی افرادی که استخدام رسمی هستند؛ بیشتر است.

پیرو این تجدیدنظر، هر کس که بیش از ۶,۴۵۳ یورو درآمد داشت، باید بیمه تأمین اجتماعی می‌پرداخت (۲۴ درصد از سود خوداشتغالی و ۱۷/۵ درصد برای درآمد خوداشتغالی خدماتی). تا سال ۲۰۰۰ هنرمندان از این قانون معاف بودند و به پرداخت بیمه تأمین اجتماعی ملزم نبودند. آن‌هایی که خواهان پرداخت بیمه بودند می‌توانستند از صندوق‌هایی مانند کونسولربیلف - که پیش‌تر ذکر شد - در تأمین هزینه شهریه تأمین اجتماعی خود کمک بگیرند.

از ژانویه ۲۰۰۱، هنرمندان مستقل و آزاد به کارگران خوداشتغال حرفه‌ای تبدیل شدند و تحت شرایط معینی، حق بازنشستگی تکمیلی در چارچوب صندوق بیمه تأمین اجتماعی به آنان پرداخته می‌شود.

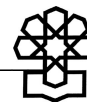
۵-۱-۵. قوانین مالیاتی

در اتریش بخش خصوصی به‌طور تخمینی ۱/۸ درصد از کل اعتبارات فرهنگی را هزینه می‌کند. این در حالی است که مقررات مربوط به «امور حامیان» (اسپانسرها) به‌وسیله وزارت فدرالی امور مالی در سال ۱۹۸۷ تهیه شده بود. طبق این مقررات مؤسسه‌ای که از وقایع فرهنگی حمایت مالی کند از تخفیف مالیاتی برخوردار خواهد بود. «امور حامیان» (اسپانسرها) معیارهای مختلفی را به‌منظور بهره‌مندی از تخفیف مالیاتی فهرست کرده است برای مثال، حمایت مالی باید در قالب سرمایه‌گذاری باشد. این مقررات به مقدار بسیار اندکی از سرمایه‌گذاری‌ها اجازه بهره‌مندی از تخفیف مالیاتی را داده است. برنامه‌هایی برای وضع مقدماتی مقررات جدیدی تهیه شد که بحث‌های زیادی درباره آن به عمل آمد و به اطلاع عموم رسانیده شد.

در سال ۲۰۰۲ مطالعاتی به‌وسیله معاونت هنری صدراعظم فدرال انجام شده بود که با تأثیرات تخفیف‌های مالیاتی بر خرید کالاهای هنری مرتبط بود. این مطالعه تخمین زده است که درخصوص چنین تخفیف مالیاتی، ظرفیت بازار مؤسسات خصوصی و خانوارها بین ۵۰ تا ۷۰ میلیون یورو است.

1. Werkvertrag

2. Freier Dienstvertrag



در سال ۱۹۹۷ براساس لایحه تجدیدنظر قانون توسعه هنر فدرال (مصوب ۱۹۸۸)، یارانه‌های عمومی مشخصی از پرداخت مالیات معاف بودند، این یارانه‌ها عبارتند از: هدایا، جوایز و متمم‌هایی که از سوی مؤسسه فیلم اتریش برای توسعه و بهبود نمایشنامه‌ها و فیلمنامه‌های معین اهدا می‌شد، درآمدها و مساعدت‌های صندوق‌های عمومی یا صندوق‌های سرمایه‌گذاران عمومی و خصوصی، برای جبران هزینه‌ها یا مخارج مرتبط - به استثنای بنیادهای خصوصی - یا برای فعالیت‌های خارج از کشور.

تجدیدنظر در قانون مالیاتی سال ۲۰۰۰ تخمین زده است که ۱۲ درصد (حدود ۸۷۲۵ یورو در هر سال) از درآمد هنرمندان و نویسندگان از تخفیف مالیاتی برخوردار بود. به‌علاوه درآمدهای غالباً غیرقانونی آن‌ها می‌تواند بیش از سه سال (میانگین درآمد) را پوشش دهد. همچنین در سال ۲۰۰۰ امتیازات مالیاتی هنرمندان خارجی مثل افراد مقیم در اتریش برقرار شد و اگر استقرار هنرمندان خلاق خارجی در اتریش به توسعه هنر کمک می‌کرد یا دارای منافع عمومی بود، می‌توانستند درخواست لغو کامل یا بخشی از دیون مالیاتی خود را داشته باشند، چرا که آن‌ها خود دارای دیون مالیاتی اضافی در کشورهای خودشان هستند.

در اکتبر ۲۰۰۲، یک مشوق قانونی جدید تصریح می‌کرد که دادن هدیه به موزه‌های خصوصی (با گستره اتریشی یا حوزه کشوری) و موزه‌های فدرال از تخفیف مالیاتی برخوردار خواهد بود. در اتریش دو نرخ مالیاتی تحت قانون VAT اتریش (مصوب ۱۹۹۴) موجود است: یکی با نرخ ۲۰ درصد و دیگری با نرخ ۱۰ درصد. نرخ پایین به عایدات فعالیت‌های هنری، سینما، تئاتر و بلیت‌های کنسرت، ورودی موزه‌ها، باغ‌های گیاهان یا پارک‌های طبیعی و همین‌طور خدمات ارائه شده به‌وسیله تعاونی پخش اتریش (ORF) و شرکت‌های تلویزیونی کابلی، کتاب‌ها، مجلات و روزنامه‌ها تعلق می‌گیرد. اما نرخ ۲۰ درصدی به لوح‌های فشرده موسیقی تعلق می‌گیرد.

۵-۱-۶. قانون کار

همگام با رشد نرخ بیکاری، ساختار استخدامی اتریش در سال‌های اخیر تغییرات قابل ملاحظه‌ای یافته است. برای مثال تعداد افراد با قراردادهای کاری خوداشتغالی خدماتی در مدت پنج سال، ۱۵۰ درصد رشد داشته است. در پایان سال ۲۰۰۲، نمودار تقریباً به ۲۴۳۰۰ رسیده بود. این وضعیت مشابه وضعیت کسانی است که تحت قرارداد کاری خوداشتغالی جدید به کار مشغولند و این تعداد بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ تقریباً چهار برابر شده بود (از ۷۷۰۰ نفر به ۳۰۳۰۰ نفر). به‌طور کلی همه کارگران اتریش از نظام قانونی این کشور خارج شده و آزاد و مستقل عناوین و معیارهای حفاظتی فراهم می‌کنند که در برابر قانون کار عمومی اتریش قرار می‌گیرد.

در حوزه هنرهای نمایشی، قانون کار خاصی به نام «قانون بازیگران» (مصوب ۱۹۲۲) وجود دارد



که مسائل مربوط به ساعات کار، حق تعطیلات و اضافه‌کاری‌های بازیگران را - که متفاوت از مقررات استخدامی است - تنظیم می‌کند. در گذشته بازیگران را کارکنان فرض می‌کردند، اما امروزه همه کارکنان با همه هزینه‌ها و تعهدات خود (مثل سازماندهندگان جشنواره‌ها)، غالباً گول‌زنده هستند.

۷-۱-۵. مقررات کپی‌رایت

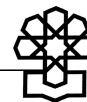
براساس قانون کپی‌رایت اتریش، با آفرینش اثری به وسیله مبتکر آن کپی‌رایت ایجاد می‌شود. هیچ قانون رسمی‌ای (ابلاغی یا ثبتی) برای احراز حفظ کپی‌رایت یک اثر مورد نیاز نیست. طبق بند «۱» چنین کارایی باید «ابتکارات فکری شخصی در حوزه‌های ادبیات، هنرهای بصری و فیلم» باشد. از دهه ۱۹۸۰ برنامه‌های توسعه به سوی پرداخت کلی غرامت‌ها متمایل شدند. عواید حاصل از دعاوی غرامت‌ها که مورد حمایت انجمن‌های تدوین کپی‌رایت بود، تا اندازه‌ای به اهداف اجتماعی فرهنگی اختصاص یافت و بخشی نیز میان دارندگان کپی‌رایت توزیع شد.

طبق تجدیدنظری که بر قانون کپی‌رایت ۱۹۸۰ به عمل آمد، مقداری جریمه کپی‌رایت برای نوارهای خالی تعیین شد. انجمن تدوین کپی‌رایت استرو-مخانا^۱ عهده‌دار تدوین حق‌التألیف نیز است. جریمه تعیین شده بین ۰/۰۴ تا ۰/۲۷ یورو متفاوت است، که این تفاوت بستگی به آن دارد که ضبط و استفاده از آثار براساس یک قرارداد یا یک تعرفه خودکار (داخلی) تنظیم شده است یا با چه نوع وسیله‌ای ضبط شده است. در سال ۲۰۰۲ کل حق‌التألیف‌ها به ۱۰/۹ میلیون یورو رسید.

همچنین در سال ۱۹۹۶ جریمه کپی‌رایت برای رپروگرافی (نسخه‌برداری انبوه) - برای ابزار منفرد و اپراتورها (در مقیاس وسیع) - نیز تعیین شده بود. این جریمه به وسیله انجمن تدوین کپی‌رایت لیتار - مخانا،^۲ انجمن تدوین کپی‌رایت برای هنرهای بصری (VBK) و موزیک ادیشن^۳ تدوین شد. در سال ۱۹۹۴ نویسنده‌ای از جوه جمع‌آوری شده از طریق حق عضویت‌ها - که از حدود ۲۵۰۰ کتابخانه عمومی براساس قانون کپی‌رایت گرفته می‌شد - شکایت کرد؛ یعنی مجموعی از آنچه باید مورد توافق انجمن تدوین مؤلفان قرار می‌گرفت. در سال ۱۹۹۶، پرداخت کلی میان حکومت فدرال (۱۱۶,۲۷۶ یورو)، استان‌های فدرال (۴۶۵,۱۰۶ یورو) و انجمن حقوق مصنفان به‌طور قراردادی مورد توافق واقع شد.

در سال ۲۰۰۲ تجدیدنظرهای بیش‌تری درخصوص قانون کپی‌رایت به اجرا درآمد. این امر در راستای هماهنگ‌سازی با اتحادیه اروپا در حوزه‌های خاص و معین کپی‌رایت و حقوق مرتبط در جامعه اطلاعاتی بوده است. تغییرات جزئی‌تر شامل فهرستی از انواع استفاده آزاد و بهسازی حفاظت قانونی در برابر ترندهای فنی است. انتظارات بلندمدت مؤلفان برای اصلاحات وسیع‌تر در

1. Austro-Mechana
2. Literar-Mechana
3. Musikedition



قانون کپی‌رایت اتریش (مثل تجدیدنظر در حقوق مصنفان و به‌کارگیری «شرط بهترین فروشنده») هنوز برآورده نشده است.

در تجدیدنظر دیگر قانون کپی‌رایت اتریش، افزایش موارد حق فروش مجدد به هنرمندان، در آینده‌ای نزدیک مورد انتظار است.

۸-۱-۵. قانون حفاظت از داده‌ها (اطلاعات)

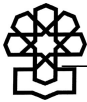
حفظ داده‌ها در اتریش برای مدت ۲۰ سال به‌طور قانونی تأمین می‌شد. قانون حفظ داده‌ها (مصوب ۲۰۰۰)، که در ابتدا از خط‌مشی‌های اتحادیه اروپا پیروی می‌کرد، تمامی حقوق و تعهدات کاربران مجموعه‌های اطلاعاتی و به‌کارگیری آن‌ها در مجموعه‌های اطلاعاتی عمومی - قانونی (حاکمیت و مانند آن) و همچنین حوزه‌های قانونی خصوصی (شرکت‌ها، انجمن‌ها و دیگر سازمان‌ها و مجموعه‌هایی که به‌وسیله مؤسسات فرهنگی نگهداری می‌شود) را تنظیم می‌کرد. اساساً طبق بند «۴۷»، انتقال آدرس‌ها به موافقت افراد تحت تأثیر نیازمند است، اگرچه به‌دلیل مسائل آماری یا علمی از استثنائاتی برخوردار است.

۹-۱-۵. قوانین مربوط به زبان

قانون جدید پخش (مصوب ۲۰۰۱) مقرر نموده که ORF ملزم است که «همه حوزه‌های زندگی دموکراتیک را به عموم بشناساند» و در برنامه‌هایش سهم مناسبی برای پخش به زبان اقلیت‌های قومی در نظر بگیرد. اگرچه حمایت تنظیم شده‌ای از برنامه‌های پخش به زبان‌های اقلیت‌های قومی وجود دارد، اما این اصل کلی است و مدیریت می‌تواند آن را به معنای «مناسب و درخور» به‌کار گیرد به طوری که هیچ تعهدی را دربر نداشته باشد. سومین برنامه رادیویی عموماً به زبان خارجی (انگلیسی) نیاز به پخش دارد.

از تصویب قانون پخش خصوصی در ۱۹۹۸، ایستگاه‌های رادیویی آزاد کوچک (غیرتجاری) زیادی تأسیس شد و در حال حاضر برنامه‌هایی برای اقلیت‌ها و مهاجران (در کشور) تهیه می‌کنند. مثل رادیو اورانج^۱ (رادیو آزاد وین)، رادیو مورا^۲ (ایستگاه رادیو آزاد خصوصی کروات زبان‌ها) - که به‌وسیله مرکز فرهنگی کروات کوگا^۳ در بورگن‌لند اداره می‌شود - یا رادیو کوروتان و رادیو آگورا (دو رادیو اسلوانی زبان‌ها در کارینتیا). تا سال ۲۰۰۱ این مراکز پخش مورد حمایت حکومت فدرال بودند. از آن پس این ایستگاه‌های رادیویی آزاد با مشکلات موجود به کار ادامه دادند و رادیو مورا به‌دلیل مسائل مالی به اجبار تعطیل شد.

1. Orange
2. Mora
3. Kuga

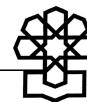


شهر وین در حال ایجاد شرایطی برای گشایش یک کانال برنامه‌های تلویزیونی با عنوان «افنر کانال»^۱ است که در آینده‌ای نزدیک کار خود را آغاز می‌کند. با راه‌اندازی این کانال پخش برنامه‌هایی به زبان‌هایی غیر از زبان آلمانی امکان‌پذیر می‌شود. از سال ۲۰۰۳ شهر وین از چاپ یک مجله محلی بوسنیایی - کروات - صربی حمایت کرده است. به‌علاوه، صندوق سابق یکپارچگی وین، ماهنامه‌هایی به زبان‌های ترکی و بوسنیایی - کروات - صربی منتشر می‌کرد که این ماهنامه‌ها اطلاعاتی را درباره خدمات اجتماعی و سیاست‌های تنظیمی مهاجرت ارائه می‌کرد. این صندوق (و دیگر مؤسسات) منحل شده و فعالیت‌های آن در بخش سیاست‌های یکپارچگی و تنوع - که در سال ۲۰۰۴ تأسیس گردید - تجمیع شد.

۲-۵. تنظیم مقررات فرهنگ

مقررات و قوانین ویژه فدرال در حوزه فرهنگ شامل موارد ذیل است:

- قانون تخصیص یارانه‌های دولت (۱۹۷۷)،
 - قانون توسعه هنرهای فدرال (با تجدیدنظر در سال ۲۰۰۰)،
 - قانون کپی‌رایت (با تجدیدنظر در سال ۲۰۰۳)،
 - قانون پخش عمومی (با تجدیدنظر در سال ۲۰۰۱)،
 - قانون توسعه فیلم (با تجدیدنظر در سال ۲۰۰۴)،
 - قانون حفظ ابنیه تاریخی (با تجدیدنظر در سال ۱۹۹۹).
- قوانین مربوط به توسعه فرهنگی، (به استثنای وین) به‌وسیله بوندس‌لاندورها تهیه می‌شود. مقررات اتریش علاوه بر حمایت عمومی مستقیم از فرهنگ و هنر، تعدادی از ابزارهای مهم حمایت غیرمستقیم از هنر را فراهم آورده است. این ابزارها به مقررات قانونی سیاست اجتماعی و مالی، نظام تأمین اجتماعی هنرمندان، معیارهای متخذه در حوزه مدیریت بازار کار، مقررات کپی‌رایت (پرداخت مستقیم و غیرمستقیم از جمله حق عضویت کتابخانه‌ها)، تشویق حوزه خصوصی در حمایت از هنر با ابزاری مثل معافیت‌های مالیاتی، تخفیف برای هدایای بخش خصوصی و حامیان مالی هنر و به همان نسبت توسعه کارهای هنری برای ساخت‌وسازهایی که با پول عمومی تأمین می‌شوند، اشاره دارد. اگرچه این سیاست‌ها خوشایند هستند، اما، به تعداد اندکی از مقررات قانونی حوزه‌هایی خاص، مانند ارکسترها یا نمایش‌ها را شکل و نظم داده‌اند.



۵-۲-۱. هنرهای بصری و کاربردی

به طور کلی قانون توسعه هنر فدرال، تصریح می‌کند که توسعه باید عموماً به سوی «هنر معاصر، تغییرات ذاتی و متکثر» در حوزه‌های ادبیات، هنرهای نمایشی، موسیقی، هنرهای بصری، عکاسی، فیلم، ویدئو و طرح‌های هنری تجربی، هدایت شود.

۵-۲-۲. هنرهای نمایشی و موسیقی

مقررات خاصی برای تأمین اعتبار دولتی تئاتر وجود دارد که حکومت به پرداخت مکمل سالانه - که در حال حاضر ۲۱/۳ میلیون یورو است - به تئاترهای منطقه‌ای و شهری تحت مقررات مورد توافق «قانون مساوات مالی» معتقد است.

قانون فدرال تأسیس صندوق جشنواره سالزبورگ (۱۹۵۰) با پیوستن سرمایه‌گذاری‌های حکومت فدرال (۴۰ درصد) و استان سالزبورگ (۲۰ درصد) روبه‌رو است.

در آگوست ۱۹۹۸، تئاترهای فدرال^۱ به‌عنوان شرکت‌هایی با مسئولیت محدود تحت قوانین خصوصی، سازماندهی مجدد یافتند (بخش ۲-۶ را ببینید). «مالک» چنین شرکت‌هایی جمهوری اتریش است. وظایف فرهنگی آن‌ها در قانون سازمان تئاتر فدرال (۱۹۹۸) تعریف شده است. این قانون اظهار می‌دارد که حکومت ملزم به پرداخت سالانه مبلغ پایه‌ای به میزان ۱۳۳/۶ میلیون یورو است.

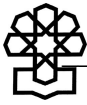
تئاترهای بخش خصوصی وین (تئاتر ژوزف استادت^۲، تئاتر محلی^۳، تئاتر یاگند^۴ و کامروپر^۵) نیز به وسیله حکومت فدرال بر پایه یک قرارداد خاص یا شهر وین، بنیان نهاده شده‌اند.

۵-۲-۳. میراث فرهنگی

اساسی‌ترین اصلاحات در سال‌های اخیر به موزه‌های فدرال مربوط می‌شود. قانون موزه‌های فدرال، مصوب ۱۹۹۸، به موزه‌ها ظرفیت قانونی کاملی داد و آن‌ها را به مؤسسات علمی تحت قوانین عمومی منتقل کرد. این امر خود گام مهمی در راستای خودگردانی بود. موزه‌های فدرال هنوز تحت اختیار وزارت فدرال آموزش، علوم و فرهنگ هستند و تسهیلات پایه‌ای را از آن دریافت می‌کنند. باقی مانده بودجه را باید خود موزه‌ها تهیه کنند. انتقادهای از «خودگردانی بخشی» این نگرانی را ایجاد می‌کند که موزه‌های کوچک‌تر توانایی مقاومت در برابر فشارهای مالی فزاینده را ندارد و جمع‌آوری پول در حوزه خصوصی برای آن‌ها کار دشواری است. در نتیجه، برنامه‌های اصلی موزه قوم‌شناسی و موزه تئاتر اتریش همکاری با موزه هنرهای تاریخی بوده است.

در سال ۱۹۹۸ برای استرداد کارهای هنری از کلکسیون‌های اتریش به وارثان یهودی‌شان یک

1. Burg - and Akademie theater, Staat- und vdksooper
2. Josef Stadt
3. Volkstheater
4. Jugend
5. Kammeroper



قانون فدرال تصویب شد و برای حل و فصل مسائل کارهای هنری یک گروه کاری تشکیل شد. به علاوه در سال ۱۹۹۸ یک کمیته مشاور به‌وسیله وزارت آموزش، علوم و فرهنگ به وجود آمد. یک کمیسیون تاریخی نیز (به همراه صدراعظم فدرال، نایب صدراعظم، سخنگوی شورای ملی و سخنگوی شورای فدرال) با اختیار رسیدگی و گزارش‌دهی درباره کل مجموعه‌های مصادره شده در دوران نازی و استرداد و پرداخت غرامت و دیگر مزایای مالی و اجتماعی، بعد از سال ۱۹۴۵ به‌وسیله جمهوری اتریش، ایجاد شد.

قانون فدرال برای استرداد کارهای هنری به وارثان هیچ شرط قانونی‌ای قائل نشده است. این امر به مایملک موزه‌های فدرال و کلکسیون‌های دولتی شامل کلکسیون لئوپولد - که توقیف دو نقاشی از این کلکسیون در نیویورک باعث بحث و منجر به تصویب قانون فدرال شد - و مایملک دانشگاه‌های هنر، اشاره دارد.

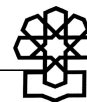
براساس تجدیدنظر در قانون حفظ ابنیه تاریخی در سال ۱۹۹۹، اداره ابنیه تاریخی فدرال - که زیر نظر وزارت آموزش، علوم و فرهنگ قرار دارد - می‌تواند برای جایگاه موقت ابنیه تاریخی تحت مالکیت مجموعه (سازمان)‌های عمومی با صیانت این ابنیه حکم صادر کند. تا سال ۲۰۱۰ این ابنیه در فهرستی از ابنیه‌های تاریخی مضبوط می‌شود. به علاوه در چارچوب تجدیدنظر، توقیف صادرات کالاهای فرهنگی در مسیر مشابه راهبرد اتحادیه اروپا آورده شد و ۵۶ باغ تاریخی در قالب صیانت از ابنیه تاریخی جمع شده است.

۴-۲-۵. ادبیات و کتابخانه‌ها

براساس «قانون فدرال توسعه آموزش بزرگسالان و کتابخانه‌های عمومی» یارانه‌های حکومت به کتابخانه‌های عمومی از اعتبارات فدرال پرداخت می‌شود (مصوب ۱۹۷۳). مسئولیت وزارتی فدرال بر عهده وزارت فدرال آموزش، علوم و فرهنگ است. علاوه بر یارانه‌های مستقیم، حمایت‌های دیگر شامل اعتبارات آموزش و پرورش بیش‌تر کارکنان، طرح‌های ملی و نرم‌افزارهاست.

۵-۲-۵. معماری و محیط شهری

در سال ۱۹۸۵، از سوی هیأت وزیران حکمی تهیه شد. این حکم بر تعیین یک سهم اجباری برای هنر در طرح‌های ساختمانی شهری فدرال مبتنی بود. بنابراین یک درصد از هزینه خالص ساختمان در طرح‌های عمومی به هنر تعلق گرفت. این رویه برگزیده براساس کار کارشناسی یک مجموعه از متخصصان تهیه شد. مدیریت ساختمان حکومت و اموال غیرمنقول آن در سال ۱۹۹۲ به بنیاد اموال غیرمنقول فدرال (BIG) واگذار شد. از آن زمان پروژه‌های «کونست و بائو»^۱ با همکاری



مجموعه مشاوران متخصص حکومت، BIG و توسعه‌دهندگان املاک انجام می‌گیرد.

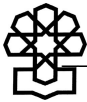
۶-۲-۵. فیلم، ویدیو و عکاسی

قانون توسعه فیلم (مصوب ۱۹۹۸) به مقررات مؤسسه فیلم اتریش (OFI) که عهده‌دار توسعه و حمایت از صنعت فیلم اتریش است؛ مربوط می‌شود و تخصیص یارانه‌های فیلم‌های اتریش، مثلاً برای فیلم‌سازان و تهیه‌کنندگان را بر عهده دارد. پروژه‌های برخوردار از یارانه به وسیله اعضای مؤسسه فیلم اتریش انتخاب می‌شوند. تجدیدنظرهای انجام گرفته در سال ۱۹۹۸ به منظور تقویت پایه‌های اقتصادی فیلم اتریش از طریق آسان‌سازی تولیدات مشترک بین‌المللی، ترغیب به حمایت از نظام توزیع و ایجاد یک برنامه حمایت از سینماها - که ۱۵ درصد از بودجه برای نسل جدید فیلم‌سازان و تولیدکنندگان فیلم اختصاص یافت - طراحی شد. براساس تجدیدنظر در قانون توسعه فیلم (۲۰۰۴)، شورای فیلم اتریش ایجاد خواهد شد و OFI گزارش سالانه‌ای از اقتصاد فیلم اتریش منتشر خواهد کرد.

توسعه جهانی در حوزه رسانه‌های دیداری و شنیداری و صنعت رسانه‌ای و به همان اندازه رقابت چندجانبه در این حوزه به تجدید سازمان و تنظیم مقررات مناسب در حوزه رسانه‌های دیداری و شنیداری نیازمند است. برای مثال می‌توان از حفظ خودگردانی به وسیله شرکت تعاونی پخش اتریش و ORF نام برد. بعدها تجدیدنظرهای دیگری بر قانون پخش عمومی (۱۹۹۱-۱۹۹۷) انجام گرفت تا سیستم پخش تلویزیون عمومی را به‌طور مؤثری در رویارویی با رقابت حرصانه فزاینده مدیریت کند.

توافقنامه فیلم - تلویزیون (۱۹۸۱) به وسیله شرکت تعاونی پخش، ORF و مؤسسه فیلم اتریش، برای توسعه و حمایت از فیلم‌های اتریش با اعتبارات شرکت تعاونی پخش اتریش (۵/۳ میلیون یورو در سال ۲۰۰۴) به امضا رسید.

براساس تجدیدنظر در قانون «کوم اتریش»^۱ صندوق موقوفات تلویزیون اتریش در سال ۲۰۰۴ تأسیس شد. این صندوق سالانه حدود ۷/۵ میلیون یورو موقوفات دریافت می‌کرد و از هزینه‌های پخش برای حمایت از تولید فیلم، سریال و مستندهای تلویزیونی استفاده می‌کرد. اداره این صندوق برعهده مقام مسئول تنظیم مقررات پخش و مخابرات اتریش (RTR) - که به‌عنوان بازوی اجرائی مقام مسئول ارتباطات اتریش عمل می‌کند - بود. بحث عام در مورد گرایش عمومی به معیارهای تجاری مورد استفاده بر این واقعیت مبتنی بود که صندوق به وسیله یک مجموعه صرفاً مدیریتی (RTR) و نه مؤسسه فیلم اتریش اداره می‌شود.



۷-۳-۵. صنایع فرهنگی

در سال ۲۰۰۰ «قانون فدرال درباره قیمت ثابت کتاب»، به اجرا درآمد. این قانون تا سال ۲۰۰۴ - که سال تجدیدنظر بر این قانون بود - به امور مربوط به نشر، واردات و تجارت (البته نه تجارت الکترونیک فرامرزی)، می‌پردازد و در تضمین و تأمین خانه‌های کوچک نشر، کتاب‌فروشان، شرکت‌های توزیع و غیره دارای اهمیت بوده و نقش قاطعی در تداوم و تنوع رسانه‌ای ایفا می‌کند و قادر به رقابت با ناشران بزرگ و شرکت‌های توزیع قدرتمند است.

با تصویب قانونی در سال ۲۰۰۱، بزرگ‌ترین خانه نشر اتریش، خصوصی شد. این فرایند در سال ۲۰۰۲ تکمیل و خریدار - که یک گروه نشر آلمانی بود - به تداوم و حفظ تولید کتاب‌های مدارس و نشر یا صیانت از آثار نویسندگان اتریشی تا سال ۲۰۰۷ ملزم شد.

براساس تجدیدنظر در قانون توسعه هنرهای فدرال در سال ۲۰۰۰، موزه‌های برگزیده فدرال، استان‌ها و شهرها می‌توانستند به‌منظور گردآوری آثار هنری از مایملک گالری‌های اتریش، سالانه مبلغی را به عنوان متمم دریافت کنند. به‌علاوه از سال ۲۰۰۲ از هنرمندان و گالری‌هایی که در جشنواره‌های هنری بین‌المللی شرکت می‌کنند، حمایت می‌شود.

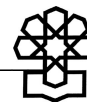
۸-۳-۵. رسانه‌های جمعی

تنظیم مقررات در اتریش در راستای دستورالعمل [اتحادیه] اروپایی «تلویزیون بدون مرز» است (قانون پخش اتریش، اصل ۱، بند «۲»، ۱۹۹۹).

قانون پخش اتریش، تبلیغات را تنظیم می‌کند. در آخرین متن - که از اول ژانویه ۱۹۹۹ به اجرا درآمد - چنین آمده است که فقط به ۳۵ دقیقه آگهی بازرگانی در هر روز و در هر کانال تلویزیونی و ۱۲۰ دقیقه تبلیغ در هر روز و هر کانال رادیویی اجازه پخش داده می‌شود. شبکه اول اتریش به‌عنوان یک ایستگاه عمومی و رادیو اورنج^۱ به‌عنوان یک ایستگاه خصوصی، از پخش آگهی بازرگانی [با زمان] آزاد برخوردار هستند.

تجدیدنظر در قانون پخش اتریش، «آگهی‌های میان‌برنامه‌ای» را ممنوع کرده است. تبلیغات رادیویی و تلویزیونی در روزهای جمعه مقدس، کریسمس و روزهای مذهبی مقدس، غیرمجاز است. به‌علاوه تبلیغات تلویزیونی برای روزنامه‌ها و مجلات و غیره در تلویزیون به دو دقیقه در هر روز محدود است. در این میان فقط، تبلیغاتی که دارای درون‌مایه‌های توسعه‌ای هستند و آگهی‌های میان‌برنامه‌ای که به اعلان اخبار (مثل اخبار ورزشی) می‌پردازند، مجوز پخش دارند. از سال ۱۹۹۹، برنامه‌های تلویزیونی نامناسب برای کودکان و نوجوانان در صفحه‌های تلویزیونی کم‌رنگ شد.

براساس تجدیدنظر در قانون تعاونی پخش اتریش در سال ۲۰۰۱، تبدیل قانونی ORF به یک



سازمان و تهیه آیین‌نامه‌ای براساس برنامه قانونی جدید، مدنظر بود. همچنین بند جدیدی مبنی بر توسعه تولیدات هنری و خلاقانه اتریشی بر این قانون اضافه شد. نامزدهای شورای این سازمان تا حدودی به وسیله حکومت تأیید می‌شوند. در تنظیم مقررات جدید و در مقدمه آن، تغییر معناداری مبنی بر ممنوعیت کاندیداتوری سیاستمداران در این شورا ایجاد شده است. به نظر می‌آید این وظایف قانونی آشکارا از دیگر فعالیت‌های تجاری ORF مجزا هستند. اگرچه این اصلاحات به کاهش نفوذ احزاب سیاسی بر ORF تمایل داشته باشند، ولی بسیاری از مفسران نسبت به موفقیت این گام در راستای استقلال، مردد هستند.

علاوه بر مقررات تنظیمی، برای توسعه هنر و فرهنگ، قانون جدید پخش برای تبلیغات بازرگانی محدودیت‌هایی نیز در نظر گرفته است. این امر باعث کم شدن بودجه ORF شده است که یکی از نتایج آن، از بین رفتن کیفیت بالای برنامه تلویزیونی کنست استوک^۱ - که در ابتدا به پخش فیلم‌ها و هنرهای معاصر در مدت بیش از ۲۰ سال می‌پرداخت - شد و اعتراض بسیاری از هنرمندان را برانگیخت.

در سال ۲۰۰۴، قانون جدید یارانه مطبوعات به اجرا درآمد که علاوه بر مقررات توزیع یارانه‌های روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها و همچنین یارانه‌های ویژه برای حفظ تنوع در روزنامه‌های منطقه‌ای، پیش‌بینی‌هایی را نیز مانند حمایت از آموزش روزنامه‌نگاری و پروژه‌های تحقیقاتی در نظر گرفته است. قانون یارانه روزنامه‌نگاری (۱۹۸۴) درباره فراهم‌آوری حمایت از نشریات ادواری که با موضوع فرهنگ یا رشته‌های علمی مرتبط بودند وضع شد. از سال ۲۰۰۴، مقام مسئول ارتباطات اتریش، مسئولیت اداره یارانه‌های مطبوعات و یارانه‌های اعطایی تحت قانون یارانه‌های روزنامه‌نگاری را برعهده گرفت. اعتبار (۷/۵ میلیون یورو در سال که از عایدات پخش به دست می‌آمد) دیجیتالی کردن در سال ۲۰۰۴ برای توسعه پخش دیجیتالی زمینی در اتریش، پرداخت شد. تجدیدنظر دیگر بر قانون پخش رادیوی خصوصی در سال ۲۰۰۴ به عمل آمد. بر این اساس ایستگاه‌های پخش رادیویی با گستره ملی و آن‌هایی که توانایی مالی طولانی‌مدت را داشته باشند می‌توانند در آینده مرامنامه امتیازی در اعطای مجوز دریافت کنند. منتقدین نگرانند که با تمرکز بیش‌تر رسانه‌ای در حوزه رادیو و تداوم این امر رادیوهای آزاد از حالت غیرتجاری خارج شوند.

۹-۲-۵. مقررات مربوط به خوداشتغالی هنرمندان

هنرمندان در ایجاد، پیشبرد و تحکیم لابی‌گری‌ها و تصویب لوایح به نفع خودشان در مقایسه با دیگران موفق‌تر بوده‌اند. نویسندگان و مترجمان - به‌طور خاص - نهادهای فرهنگی، بعضی از گروه‌های نمایشی مستقل، سینماگران و هنرمندان رسانه‌ای قادرند که انجمن‌ها و گروه‌های ذی‌نفع

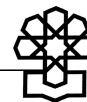


برای نمایندگی در امور عمومی و لابی‌گری برای اعتبارات و پورسانت‌های بیشتر، در جنگ با بهسازی‌های قانونی و اجتماعی و برای صیانت از آزادی هنری، ایجاد کنند. بزرگ‌ترین پیروزی، پیشرفت در روند اطلاعات فرصت‌های بازار و ارتباطات چندجانبه میان هنرمندان است که به بهبود وضعیت تأمین اجتماعی آن‌ها، اصلاح و بازسازی قانون کی‌رایت، برنامه تأمین اجتماعی هنرمندان و دیگر مزایای اجتماعی - که تحت لوای سازمان‌ها، گروه‌های ذی‌نفع و مجامع همگرا به دست آمده - منجر می‌شود.

با اجرای قانون جدید تأمین اجتماعی هنرمندان از ژانویه ۲۰۰۱، هنرمندان غیردولتی (آزاد)، جزء متخصصان خوداشتغال محسوب شدند که این امر به معنای آن بود که آن‌ها باید حق بیمه مقرری تأمین اجتماعی خود را، در صورت درآمد بیش‌تر از ۶,۴۵۳ یورو در سال بپردازند. این قانون جدید در بسیاری از موارد وضعیت‌هایی را ایجاد کرد که به موجب آن هنرمندان باید دو نوع مختلف بیمه اجتماعی می‌پرداختند: یکی حق بیمه مشاغل آزاد و دیگری برای احتمال وجود قراردادهای کاری پاره‌وقت. از آنجایی که بسیاری از هنرمندان غیردولتی (آزاد) در هر دو شکل پاره‌وقت و آزاد کار می‌کنند، سهم نظام تأمین اجتماعی در مقایسه با کل درآمد نسبت بالایی دارد.

یک گروه کاری به نمایندگی از همه احزاب درگیر این موضوع، درباره امکان تنظیمات خاص و کمک به هنرمندان در پرداخت سهم‌شان به بحث و بررسی پرداختند. قانون جدیدی درخصوص صندوق بیمه تأمین اجتماعی هنرمندان وضع شد که به هنرمندانی که درآمدشان بین ۳۲۳ تا ۱,۶۳۵ یورو در ماه بود مقرری بازنشستگی، بیش از ۸۵/۵ یورو در هر ماه، پرداخت کند. آن گروه از هنرمندان مستحق دریافت این پرداختی، باید از شرایط خاصی از جمله گذراندن دوره‌های آموزشی ویژه (مدارک تحصیلی عالی در دانشگاه‌های هنر) برخوردار باشند. این صندوق بیمه تأمین اجتماعی جدید جانشین صندوق قبلی با نام «صندوق کونستلریلف»^۱ بود. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ صندوق بیمه تأمین اجتماعی تحت حمایت صدراعظم فدرال (معاونت هنری) قرار داشت.

صندوق بیمه تأمین اجتماعی جدید، مورد انتقاد گسترده هنرمندان و انجمن‌های حرفه‌ای آنان قرار گرفته بود، زیرا مقررات این صندوق هنرمندان با درآمد بسیار اندک را شامل نمی‌شد. از دیگر خواسته‌های هنرمندان این بود که حکومت فدرال برای صندوق کمک‌های الزام‌آور تأمینی داشته باشد و مقرری تکمیلی فقط بازنشستگان را شامل نشود و برای بهداشت و بیمه حوادث نیز مقرری در نظر گرفته شود.



۶. تأمین مالی فرهنگ

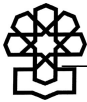
۱-۶. مروری کوتاه

در سال ۲۰۰۱، دولت فدرال، حکومت‌های استانی و محلی، حدود ۱/۸۳ میلیون یورو، (۱/۲۷ درصد از کل هزینه عمومی) برای فرهنگ و هنر هزینه کردند. در سال ۲۰۰۲، جمع کل هزینه کرد حکومت برای فرهنگ و هنر ۱/۸۹ میلیون یورو (۱/۲۹ درصد از کل هزینه‌های عمومی) بود. ۳۸ درصد از این بودجه را حکومت فدرال هزینه می‌کرد و مابقی میان حکومت‌های استانی (۳۷ درصد) و شهرداری‌ها (۲۳ درصد) تقسیم می‌شد.

سال ۲۰۰۱، نخستین سال در تاریخ اعتبارات عمومی در حوزه هنر و فرهنگ بود که کل بودجه تهیه شده به وسیله حکومت‌های استانی، (به همراه وین) به‌طور اسمی از آنچه به وسیله حکومت فدرال تهیه شده بود، بیش‌تر بود. از بودجه‌ریزی سال ۲۰۰۰ - که به یورو برای نخستین بار محاسبه می‌شد - اعتبارات عمومی در نظر گرفته شده برای فرهنگ و هنر در سطح فدرال به‌طور اسمی از ۶۶۸/۸ به ۷۱۰/۴ میلیون یورو در سال ۲۰۰۲، افزایش یافت (رشد ۶/۴ درصدی). در همان دوره جمع کل در سطح حکومت استانی از ۵۹۳/۵ به ۷۲۲/۴۱ میلیون یورو افزایش یافت (رشد ۲۱/۷ درصدی).

درصد بالایی از بودجه فدرال (حدود ۵۰ درصد) در حوزه فرهنگ و برای اجرای پروژه‌های عظیم و نهادهایی چون تئاتر فدرال و موزه‌ها و به همان اندازه فعالیت‌های هنرهای نمایشی - که غالباً در وین قرار دارند - هزینه می‌شود. صدراعظم فدرال تئاترهای فدرال را تأمین مالی می‌کند، در حالی که موزه‌های فدرال با بودجه وزارت فدرالی آموزش، علوم و فرهنگ تأمین می‌شود. یارانه‌هایی که به بوندس‌لاندرها (به استثنای وین) تعلق می‌گرفت؛ از سال ۱۹۸۰ سه برابر شده است. غالب منابع برای آموزش و نیز هنرهای نمایشی، هزینه می‌شود. در گذشته این هزینه‌ها شامل سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه در مدارس و هنرستان‌های موسیقی بود.

حمایت‌های دیگر از حوزه‌های غیرسنتی فرهنگ، مانند هنر معاصر یا توسعه بیش‌تر هنرهای عمومی، از مالیات‌های غیرمستقیم، تأمین می‌شود. مثل صدور مجوز رادیو. یک هیأت از ناظران بر هزینه‌کردهای صدراعظم فدرال و وزارت فدرالی آموزش، علوم و فرهنگ نظارت می‌کنند. هفت بوندس‌لاندر از این نمونه تقلید کرده و «شیلینگ^۱ پخش، رادیو و فرهنگ» را وضع کردند. در واقع اعتبارات دیگر نیز بر بودجه‌های بعضی از مؤسسات عمومی مؤثر بوده است (در بعضی موارد بیش از ۱۵ درصد از بودجه فرهنگی). اعتباراتی نیز از عوارض وضع شده بر «نوارهای خام» به وسیله اتحادیه‌ها، به دست می‌آید.

**۲-۶. هزینه سرانه عمومی فرهنگ**

در سال ۲۰۰۰، هزینه سرانه فرهنگی در اتریش به ۲۲۷/۷۰ یورو می‌رسید که سهم آن از GDP، ۰/۸۳ درصد در سال ۲۰۰۱ بود.

در سال ۲۰۰۲، هزینه سرانه فرهنگی از ۲۳۴/۲ یورو بیش‌تر بود، که سهم آن از GDP، ۰/۸۸ درصد در سال ۲۰۰۲ بود که مقایسه این دو سال افزایش ناچیزی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. هزینه عمومی فرهنگ: سطوح حکومت در سال ۲۰۰۱ (ارقام به میلیون یورو)

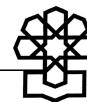
سطح حکومت	هزینه کل	درصد سهم از کل
فدرال	۶۹۹/۷۷	۳۷/۱۷
لاندر (استان)	۷۰۴/۷۶	۳۸/۴۵
شهرداری	۴۲۸/۶۲	۲۳/۳۸
جمع کل	۱۸۳۳/۱۵	۱۰۰

جدول ۲. هزینه عمومی فرهنگ: سطوح حکومت در سال ۲۰۰۲ (ارقام به میلیون یورو)

سطح حکومت	هزینه کل	درصد سهم از کل
فدرال	۷۱۰/۷۴	۳۷/۶۳
لاندر (استان)	۷۲۲/۴۱	۳۸/۲۵
شهرداری	۴۵۵/۶۷	۲۴/۱۲
جمع کل	۱۸۸۸/۷۲	۱۰۰

سرشکن هزینه‌های عمومی فرهنگی در سطوح حکومت برای سال ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ محاسبه شده است (جداول ۱ و ۲). پیام اصلی این جداول که مبتنی بر جداول ۳ و ۴ در بخش ۴-۶ هستند، بررسی تناسب میان سطوح حکومت در حوزه هزینه‌های عمومی فرهنگ است و پیام اصلی جداول ۳ و ۴ بیان سهم زیرمجموعه‌های مختلف در سطوح حکومت است. آمار فرهنگ اتریش به گونه‌ای نیست که دقیقاً همه نقل و انتقالات میان سطوح حکومت را شناسایی کند. به خصوص مقدار و جریان نقل و انتقالات از استان‌ها به سطوح حاکمان محلی دارای پیچیدگی‌هایی است که قابل بیان نیست. اعتبارات آموزش هنر، در اغلب موارد و در اکثر استان‌ها سهم زیادی از هزینه‌های عمومی فرهنگ را، (حدود ۵۰ درصد) به خود اختصاص داده است.

نمودار میانگین (حدود ۲۶ درصد) به شدت تحت تأثیر استان وین قرار دارد که این استان به تنهایی در این حوزه یک مبلغ اختیاری به نسبت هزینه کل فرهنگی تهیه می‌کند. پولی که برای آموزش هنر در سطح فدرال اختصاص می‌یابد، برای دانشگاه‌های هنری و در سطح استانی و



شهرداری، برای مدارس موسیقی هزینه می‌شود.

مدارس موسیقی در انواع و وضعیت‌های مختلف سازماندهی شده‌اند. سازماندهی مدارس موسیقی به‌عنوان بخشی از مدیریت استانی یا انجمن‌های مستقل، یا سازمان‌های تحت قانون بازرگانی، تحت تأثیر جریان یارانه‌ها از استان‌ها به مدارس موسیقی قرار دارند. از این رو کتاب سال اتریش هنوز با این مسأله حساس برخورد نکرده است، اما طرح‌هایی وجود دارد که در نسخه‌های آینده با این مسأله برخورد شود. این‌ها دلایلی است که بیان می‌کند سرجمع ریز هزینه‌ها و اعتبارات زیرمجموعه‌ها - براساس گزارش اعتبارات - با کل اعتبارات هنری - براساس اسناد بودجه - مشابه نیست. بنابراین اسناد بودجه برای برقراری ارتباط کل اعتبارات با زیرمجموعه‌ها کارساز نیست.

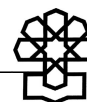


۳-۶. سرشکن بخشی [اعتبارات]

جدول ۳. هزینه‌های فرهنگی دولت، سرشکن بخشی در سال ۲۰۰۱ (ارقام به میلیون یورو)

سرجمع		شهرداری‌ها		بوندس‌لاندرها		سطح فدرال		حوزه - بخش - زیربخش
درصد	جمع	درصد	جمع	درصد	جمع	درصد	جمع	
۳۰/۰۲	۵۵۰/۵۵	۳۰/۹۲	۱۷۱/۳۷	۲۳/۱۳	۱۶۳/۰۳	۳۲/۹۹	۲۳۰/۸۸	کالاهای فرهنگی
	۴۷۰/۶۵		۱۴۸/۶۸		۱۳۱/۷۷		۲۰۴/۲۳	- میراث فرهنگی
۱۱/۰۶	۲۰۳/۳۹	۱۴/۶۰	۸۰/۹۵	۴/۳۷	۳۰/۸۲	۱۴/۰۲	۹۸/۱۴	- بناهای تاریخی
۱۴/۵۷	۲۶۷/۲۶	۱۲/۲۱	۶۷/۷	۱۴/۳۲	۱۰۰/۹۵	۱۵/۱۶	۱۰۶/۰۹	- موزه‌ها
								- آرشیو
۴/۳۶	۷۹/۹۰	۴/۱۰	۲۲/۷۲	۴/۴۴	۳۱/۲۶	۳/۸۱	۲۶/۶۵	- کتابخانه‌ها
۲۹/۹۴	۵۴۹/۰۶	۲۳/۵۴	۱۳۰/۴۶	۳۳/۰۲	۲۳۲/۷۳	۳۳/۱۹	۲۳۲/۲۵	هنر
								- معماری
۱/۸۷	۳۴/۲۷	۱/۲۲	۶/۷۶	۲/۸۴	۲۰	۱/۲۱	۹/۴۸	- هنرهای بصری (شامل طراحی)
	۵۱۴/۷۹		۱۲۳/۷۰		۲۱۲/۷۳		۲۲۳/۷۷	- هنرهای نمایشی
۵/۸۰	۱۰۶/۴۴	۸/۱۴	۴۵/۱۴	۷/۶۶	۵۳/۹۶	۱/۷۴	۱۲/۱۸	- موسیقی
۱۷/۲۴	۳۱۶/۲۰	۱۱/۹۸	۶۶/۴۳	۱۶/۲۳	۱۱۴/۳۵	۲۵/۰۵	۱۷۵/۲۷	- تئاتر و نمایش موزیکال
۵/۰۲	۹۲/۱۵	۲/۱۹	۱۲/۱۳	۶/۳۰	۴۴/۴۲	۵/۱۹	۳۶/۳۲	- چند رشته‌ای
۳/۷۷	۶۹/۱۷	۱/۰۰	۵/۵۶	۲/۶۳	۱۸/۵۶	۶/۴۵	۴۵/۱۱	رسانه
	۲۸/۹۱		۱/۶۵		۴/۲۷		۲۳/۰۱	- کتب و نشریات
۰/۶۳	۱۱/۵۰	۰/۳۰	۱/۶۵	۰/۳۷	۲/۶۱	۱/۰۴	۷/۲۵	- کتاب‌ها
۰/۹۵	۱۷/۴۱	۰		۰/۲۴	۱/۶۶	۲/۲۵	۱۵/۷۶	- نشریات
	۴۰/۲۶		۳/۹۱		۱۴/۲۹		۲۲/۱۰	- شنیداری، شنیداری دیداری و چندرسانه‌ای،
۱۵/۵۵	۲/۲۲	۱۴/۲۳	۲/۰۲	۲/۹۶	۰/۵۳	۳۲/۷۱	۱/۷۸	- سینما
۰/۴۱	۷/۵۵	۰/۱۷	۰/۹۵	۰/۰۱	۰/۰۶	۰/۹۴	۶/۵۵	- رادیو
								- تلویزیون
۳۶/۲۸	۶۶۵/۳۷	۴۴/۵۵	۲۴۶/۹۳	۴۱/۲۱	۲۹۰/۴۴	۲۷/۳۷	۱۹۱/۵۳	سایر
	۵۷۳/۳۷		۲۲۸/۵۱		۲۱۶/۹۶		۱۸۵/۰۱	- میان رشته‌ای
۷/۸۲	۱۴۳/۴۲	۱۷/۳۰	۹۵/۸۷	۶/۰۷	۴۲/۷۷	۰/۷۷	۵/۳۷	- فرهنگ اجتماعی
۲/۰۲	۳۷/۱۲	۰/۵۴	۳/۰۰	۰/۰۵	۰/۳۸	۴/۸۲	۳۳/۷۴	- روابط فرهنگی خارجی
								- مدیریت
۲۱/۴۱	۳۹۲/۷۳	۲۳/۳۹	۱۲۹/۶۴	۲۵/۰۹	۱۷۶/۸۱	۲۰/۸۵	۱۴۵/۹۰	- فعالیت‌های آموزشی
۵/۰۲	۹۲/۱۰	۳/۳۲	۱۸/۴۲	۱۰	۷۰/۴۸	۰/۹۳	۶/۵۲	- تقاضاهای غیرقابل اختصاص
۱۰۰	۱۸۳۴	۱۰۰	۵۵۴/۳۲	۱۰۰	۷۰۴/۷۶	۱۰۰	۶۹۹/۷۷	جمع

Source: Kulturstatistik, 2001/02

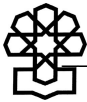


جدول ۴. هزینه‌های فرهنگی دولت، سرشکن بخشی در سال ۲۰۰۲ (ارقام به میلیون یورو)

سرجم		شهرداری‌ها		بوندس‌لاند‌ها		سطح فدرال		حوزه - بخش - زیربخش
درصد	جمع	درصد	جمع	درصد	جمع	درصد	جمع	
۳۱/۷۳	۵۹۹/۳۰	۳۰/۶۷	۱۸۱/۹۶	۲۳/۱۳	۱۶۶/۶۹	۳۷/۷۹	۲۶۸/۶۲	کالاهای فرهنگی
	۵۱۶/۴۵		۱۵۸/۷۱		۱۳۳/۹۷		۲۴۱/۳۱	- میراث فرهنگی
۱۲/۸۷	۲۴۳/۰۱	۱۳/۹۷	۸۲/۸۶	۵/۰۳	۳۶/۳۳	۱۸/۵۵	۱۳۱/۸۳	- بناهای تاریخی
۱۴/۴۸	۲۷۳/۴۴	۱۲/۷۸	۷۵/۸۵	۱۳/۵۲	۹۷/۶۴	۱۵/۴۰	۱۰۹/۴۸	- موزه‌ها
								- آرشیو
۴/۳۹	۸۲/۸۵	۳/۹۲	۲۳/۲۵	۴/۵۳	۳۲/۷۲	۳/۸۴	۲۷/۳۱	- کتابخانه‌ها
۲۷/۱۹	۵۱۳/۶۳	۲۲/۲۳	۱۳۱/۸۸	۳۱/۰۴	۲۲۴/۲۲	۲۸/۸۰	۲۰۴/۶۸	هنر
								- معماری
۱/۵	۲۷/۴۳	۱/۱۱	۶/۵۸	۱/۸۹	۱۳/۶۶	۱/۱۰	۷/۸۰	- هنرهای بصری (شامل طراحی)
	۴۸۶/۲۰		۱۲۵/۳۰		۲۱۰/۵۶		۱۹۶/۸۸	- هنرهای نمایشی
۵/۳۸	۱۰۱/۵۴	۸/۰۷	۴۷/۸۶	۶/۴۱	۴۶/۳۲	۱/۷۷	۱۲/۵۸	- موسیقی
۱۶/۲۰	۳۰۶/۶	۱۰/۸۰	۶۴/۰۸	۱۵/۶۷	۱۰۸/۸۶	۲۴/۳۵	۱۷۳/۰۴	- تئاتر و نمایش موزیکال
۴/۱۶	۷۸/۶۰	۲/۲۵	۱۳/۳۶	۷/۷۶	۵۵/۳۸	۱/۵۸	۱۱/۲۶	- چند رشته‌ای
۳/۱۹	۶۰/۲۳	۰/۹۴	۵/۵۹	۲/۳۹	۱۷/۳۰	۵/۲۶	۳۷/۴۱	رسانه
	۲۸/۳۳		۱/۷۶		۳/۰۴		۲۲/۵۵	- کتب و نشریات
۰/۶۲	۱۱/۷۴	۰/۳۰	۱/۷۶	۰/۳۲	۲/۳۳	۱/۰۸	۷/۶۷	- کتاب‌ها
۰/۸۸	۱۶/۵۹			۰/۱۰	۰/۷۱	۲/۲۳	۱۵/۸۸	- نشریات
	۳۱/۹۰		۳/۸۳		۱۴/۲۶		۱۳/۸۶	- شنیداری، شنیداری دیداری و چندرسانه‌ای،
۱/۶۵	۳۱/۲۲	۰/۵۵	۳/۲۴	۱/۹۶	۱۴/۱۷	۱/۹۵	۱۳/۸۶	- سینما
۰/۰۴	۰/۶۸	۰/۱۰	۰/۵۹	۰/۰۱	۰/۰۹	۰/۰۰		- رادیو
								- تلویزیون
۳۷/۸۹	۷۱۵/۶۶	۴۶/۱۶	۲۷۳/۹۱	۴۳/۴۹	۳۱۴/۲۰	۲۸/۱۴	۲۰۰/۰۳	سایر
	۶۱۷/۲۶		۲۵۵/۲۴		۲۳۲/۵۴		۱۹۳/۹۳	- میان رشته‌ای
۸/۶۰	۱۶۲/۴۸	۱۹/۲۲	۱۱۴/۰۴	۵/۹۸	۴۳/۲۲	۰/۷۹	۵/۶۱	- فرهنگ اجتماعی
۱/۹۱	۳۶/۰۲	۰/۵۰	۲/۹۹	۰/۰۵	۰/۳۴	۴/۶۰	۳۲/۶۹	- روابط فرهنگی خارجی
								- مدیریت
۲۲/۱۷	۴۱۸/۷۶	۲۳/۲۹	۱۳۸/۲۱	۲۶/۱۶	۱۸۸/۹۸	۲۱/۹۰	۱۵۵/۶۳	- فعالیت‌های آموزشی
۵/۱۲	۹۸/۴۰	۳/۱۵	۱۸/۶۷	۱۱/۳۰	۸۱/۶۶	۰/۸۶	۶/۱۰	- تقاضاهای غیرقابل اختصاص
۱۰۰	۱۸۸۸/۸۲	۱۰۰	۵۹۳/۳۴	۱۰۰	۷۲۲/۴۱	۱۰۰	۷۱۰/۷۴	جمع

Source: Kulturstatistik, 2001/02

پیام اصلی جداول ۳ و ۴ بیان سهم زیرمجموعه‌ها در سطوح حکومت است و اما چگونه این نمودارها محاسبه می‌شوند و چه استاندارد کیفیتی در ورای آن‌ها قرار دارد؟ همه بخش‌های بهره‌مند از اعتبارات هنر و فرهنگ در سطوح فدرالی و استانی «گزارش‌های مالی» تهیه می‌کنند.

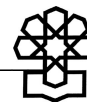


براساس اطلاعات این گزارش‌ها، کیفیت بالای قابل استدلالی از ارزیابی و مقایسه سیاست‌های هنری به دست خواهد آمد. گزارش‌های مالی بیانگر هزینه‌کرد سرمایه‌ها در سطح پروژه‌ها هستند. ساختار مورد استفاده برای اسناد (گزارش‌های مالی) یارانه‌ها و تهیه نمودارهای قابل مقایسه برای سیاست‌های فرهنگی اتریش، طرح «لیکوس»^۱ است که نمودارهای تجمیع را برای حدود ۲۰۰۰ پروژه فراهم آورده است. نکته مهم آن که این نمودارها با توجه به جدول ۲ و زیرمجموعه‌های آن در داخل سطوح حکومت شاخص‌سازی می‌شود. با تغییر نمودارهای مالی اتریش از طرح «لیکوس» به طرح «کومپندیوم»^۲ (خلاصه وضعیت) امکان کاهش کیفیت اسناد پشتوانه برای نمودارهای سهم (جدول ۲) قابل استناد، وجود دارد.

نمودارهای مالی برای هنر و فرهنگ در سطح شهرداری‌ها از کیفیت سطوح فدرالی و استانی برخوردار نیست، به خصوص وقتی که به جدا کردن نمودارها طبق زیرمجموعه‌های طرح لیکوس و در پایان طرح کومپندیوم، اقدام کنند. این سطح هنوز به توضیح نیاز دارد، به خصوص در حوزه‌هایی که پول خرج می‌شود. اخیراً آنچه از زیرمجموعه‌ها فراهم می‌آید، به‌عنوان برآورد آمارهای اتریش هستند و هنوز به دلیل در دسترس بودن، بهترین می‌باشند. در این سطح ایده اصلی آن است که جدول ۲ در همه سطوح حکومتی اتریش کامل شود. از زمانی که فکر تهیه مقدار معتبر و واقعی از کل بودجه برای فرهنگ و هنر در سطح حکومتی - که از هر جای دیگری بزرگ‌تر بود - به وجود آمد، از یکسو تهیه نمودارها و از سوی دیگر آگاه بودن از این ضعف در سطح شهرداری به طور عمومی، این ضرورت را ایجاد کرد که باید کیفیت مقایسه حداقل برای شهرهای بزرگ‌تر در آینده‌ای نزدیک، بهبود یابد.

در گزارش‌های سیاست‌های فرهنگی نمودارها بیانگر مکان تغییر و انتقالات نیستند. در حال حاضر فقط از طریق استفاده از اسناد بودجه می‌توان تغییرات را استخراج کرد. به هر حال این اسناد دارای ساختار و زیرمجموعه‌های متفاوتی هستند. بیش‌ترین میانگین سهم اختصاص یافته به فرهنگ و هنر در سطح شهرداری‌ها ۴/۰۷ درصد در سال ۲۰۰۲ بود. در سال قبل از آن (۲۰۰۱) این سهم ۴/۰۱ درصد بود که افزایش اندکی را نشان می‌دهد. افزایش واقعی در نمودار سهم بین سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ در سطح استانی به دست آمد، اگرچه در همان زمان نصف [اعتبار] شهرداری‌ها بود. سطح استانی در اتریش نمایانگر تعداد ۹ بوندس‌لندر (استان) مانند تیرول^۳، اتریش بالا، اتریش پایین و پایتخت وین است. میانگین سهم اعتبارات اختصاص یافته به فرهنگ و هنر در سطح استانی، در سال ۲۰۰۱، ۱/۹۹ درصد و در سال ۲۰۰۲، ۲/۲۹ درصد بود.

1. LIKUS
2. Compendium
3. Tyrol



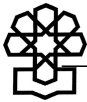
کمترین سهم فرهنگ و هنر در اتریش برای سطح فدرالی تهیه شده است. اما باید یادآوری کرد که این سهم بسیار بالاتر از سهم فدرالی در کشورهای آلمان یا سوئیس است. همچنین دیدن و تفسیر کردن گرایش‌ها در سطح فدرال حائز اهمیت است. اگرچه افزایشی به میزان ۰/۷۱ تا ۰/۷۴ درصد از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ در این سهم وجود داشت؛ اما در بلندمدت گرایش عمومی به کاهش واقعی است. این روند کاهش و کسری پیوسته حتی در مدت تغییر حکومت‌ها در سطح فدرال از ائتلاف تاریخی میان احزاب سیاسی بزرگ اتریش (حزب سوسیال دموکرات (SPO) و حزب مردم دموکرات مسیحی محافظه‌کار (OVP)) تا ائتلاف‌های اخیر (حزب مردم محافظه‌کار (OVP) و حزب جناح راست آزادی (FPO)) را پوشش داده است. بالاترین میزان اعتبار برای فرهنگ و هنر در سطح فدرال در سال‌های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ حدود ۱ درصد در آخرین سال حضور اولین دولت ائتلافی بود. پایین‌ترین میزان اعتبار نیز در سال ۲۰۰۰ بود که به ۵۷ درصد رسید و این زمانی بود که ائتلاف جدید، نخستین بودجه خود را ارائه داده بود. این مقیاس تغییرات بزرگ، به نگرش حرفه‌ای ثابت، توصیفی و بالا نیاز دارد و روند میل و اشتیاق برای حمایت مالی از فرهنگ و هنر را نشان می‌دهد. سهم هزینه‌های عمومی فرهنگ در سطح فدرالی، استانی و محلی (جدول ۲) مبتنی بر کیفیت تحلیلی (ذکر شده در آغاز این بخش) و با توجه به اطلاعات نمودارهای اعتبارات عمومی در اتریش است. هنوز بعضی از خطوط بودجه در این بخش بیان نشده است. این بدان معناست که بهسازی محاسبه نمودارهای اعتبارات در اتریش با یک کاسه کردن مجموع اعتبارات افزایش خواهد یافت. در اتریش هیچ نمودار اعتباری برای هزینه‌های مدیریتی وجود ندارد. در مقایسه با نمودارهای اعتباری آلمان، این به معنای افزایشی حدود ۶ درصد خواهد بود.

۷. مؤسسات فرهنگی و شرکای جدید

۷-۱. تخصیص دوباره مسئولیت‌های عمومی

مسئولیت عمومی امور فرهنگی در مؤسسات یا سازمان‌های مختلف، براساس حوزه، تخصیص دوباره یافته است. بر پایه مسئولیت و وظیفه تخصیص یافته، مدل‌های مختلف مؤسسات و شرکای جدید، تعیین شده است.

مؤسسه فیلم اتریش (صندوق توسعه فیلم اتریش سابق) با یک شخصیت حقوقی مجزا طبق تجدیدنظر به عمل آمده در قانون توسعه فیلم در سال ۱۹۹۸، تأسیس شد. این مؤسسه مسئول تغییرات ساختاری در صنعت فیلم اتریش، حمایت از تولید فیلم و ترغیب و توسعه کیفیت فرهنگی فیلم اتریش است. مؤسسه فیلم به وسیله یک مدیر و یک هیأت امنا که وظایف‌شان در قانون توسعه



فیلم تعریف شده اداره می‌شود. مؤسسه مانند یک صندوق عمل می‌کند که پول را طبق مقررات قانونی از سطح فدرالی دریافت می‌کند.

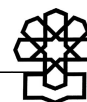
در سال ۲۰۰۴ خدمات فرهنگی اتریش GmbH (OKs سابق) و اداره توسعه فرهنگی در یک ساختار سازمانی با عنوان کولتورکونتاکت^۱ ادغام شدند. این مرکز به عنوان صلاحیت‌دار جدید برای آموزش و توسعه فرهنگی وزارت فدرالی آموزش، علوم و فرهنگ و معاونت هنری صدراعظم فدرال، بنیان نهاده شد.

کولتورکونتاکت (مرکز تماس‌های فرهنگی شرق و غرب) به وسیله وزارت سابق فرهنگ و هنر در سال ۱۹۸۹ به یک انجمن خودگردان و رابط میان هنرمندان، حامیان مالی هنری و وزارتخانه‌ها تبدیل شد و از این رو به رونق رابطه میان هنر و بازرگانی کمک می‌کند. در سال ۱۹۹۰ این انجمن وظایف دیگری نیز برعهده گرفت؛ از جمله: حمایت و ایجاد هماهنگی میان پروژه‌هایی که در کشورهای مرکزی، شرقی و جنوب شرقی اروپا انجام می‌شود، همکاری‌های برون‌مرزی و حمایت از اصلاحات آموزشی.

مؤسسه OKS به عنوان یک مؤسسه خدماتی برای آموزش فرهنگی و ترویج هنر در مدارس اتریش در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد. هدف اصلی مؤسسه، آموزش آموزگاران در همه موضوعات و حمایت و مشاوره در مورد پروژه‌های هنری و فرهنگی، است. مؤسسه OKS شرایط دیدار هنرمندان را از مدارس فراهم می‌آورد و میان هنرمندان و حامیان مالی ارتباط برقرار می‌کند و در هماهنگی کارهای بزرگ هنری همکاری می‌کند و مسئولیت مشاوره، آگاهی و زمینه‌سازی برای حمایت‌های مالی را برعهده دارد. این مؤسسه همراه با معلمان و هنرمندان، دوره‌ها و برنامه‌های هنری را برای پیشرفت ساختاری و مطلوب‌سازی آموزش فرهنگی، توسعه داده و به این مطلب که چگونه آموزش هنری و خلاقانه به عنوان یک بخش دائمی در دوره‌های تحصیلی محسوب شود، توجه دارد.

۲-۷. جایگاه، نقش و پیشرفت مؤسسات فرهنگی اصلی

بحث درخصوص جایگاه مؤسسات فرهنگی اصلی از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ تاکنون ادامه داشته است. بخش وسیعی از مطالبات و ابتکارات به منظور دستیابی به خودگردانی برای مؤسسات فرهنگی و ترک کردن دستورالعمل‌های دولت بود. تجدید ساختار «انجمن تئاتر فدرال اتریش» مثالی است که نشان می‌داد این مؤسسه در حال تبدیل شدن به یک شریک بزرگ جدید و جدایی میان بخش خصوصی و عمومی، بود. به هر حال راجع به این‌که مأموریت‌ها با منابع عمومی این مؤسسات از



بین خواهد رفت و با ایدئولوژی‌های بازارمحور جایگزین خواهد شد؛ نگرانی‌هایی وجود دارد و از این رو آن‌ها باید تحت فرمان قوانین آن هم از نوع مسئولیت‌های فرهنگی قرار گیرند.

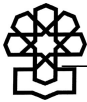
براساس تصویب قانون تجدید سازمان تئاتر فدرال، در سال ۱۹۹۸ GmbH دارای تئاتر، ایجاد شد. از این رو یک شرکت دارایی تحت مالکیت حکومت فدرال با چهار شرکت تابعه، با عنوان یک شرکت خصوصی با مالکیت محدود سازماندهی شد. این چهار شرکت تابعه عبارت بودند از: تئاتر بورگ GmbH، وینر استات سوپر^۱ GmbH، فولک سوپر وین^۲ GmbH و خدمات تئاتر GmbH. شرکت دارایی، وظایف عملیاتی و مدیریت مالی خود را درباره شرکت‌های تابعه، (مبنی بر این که می‌تواند از دارایی نسبی آن‌ها بدون هیچ تعهدی بهره‌مند شود) تغییر داد. با این تغییر، همه مدیران، خود مسئول مدیریت مالی هستند. خطر اصلی این ساختار جدید این است که احتمال دارد «آگاهی از هزینه‌ها» باعث کاهش کیفیت شود. خدمات تئاتر GmbH شامل کارگروه‌ها، انبارها و بلیت‌فروشی‌هاست. بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ تئاتر دولت باید از GmbH خدمات تئاتر استفاده کند؛ اما پس از آن خدمات به رقابت در بازار منحصر می‌شود. از سال ۲۰۰۴ به بعد سهام شرکت (۴۹ درصد) باید فروخته می‌شد. امور هنری به وسیله مدیران هنری - که می‌خواهند مراحل را همراه با مدیران تجاری به پیش ببرند - مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار خواهد گرفت. شرکت‌های هنری تحت نظارت یک هیأت قرار می‌گیرند و این امر ممکن است موجب محدودیت مدیران در آزادی‌های هنری‌شان شود.

۳-۷. پدیدار شدن شرکا یا متحدان

بودجه‌ریزی سخت‌گیرانه از اواخر دهه ۱۹۹۰ باعث شکل‌گیری مباحث شدیدی درباره توسعه دادن به قالب‌های جدیدی از شراکت شد. برای شراکت عمومی - خصوصی در خصوص رسانه‌های دیداری و شنیداری، تئاتر و موزه‌ها گام‌هایی برداشته شد.

مخالفت با خصوصی‌سازی حوزه فرهنگی با این استدلال همراه بود که مسئولان حوزه عمومی، حمایت مالی خود را در صورت انتقال مسئولیت به حوزه خصوصی، کاهش می‌دهند و از همه مهم‌تر آن‌که مسئولیت عمومی در دستان مطالبات بازار، ترک خواهد شد. از جمله نگرانی‌های افزایش وابستگی به اعتبارات خصوصی این است که نتایج منفی برای توسعه فرهنگی در برداشته باشد، چنان‌که انگیزه‌های اقتصادی و انتظارات سوددهی بر اهداف هنری و فرهنگی رجحان یابد. البته اکثر مؤسسات فرهنگی نمی‌توانند در چنین شرایط اقتصادی به کار خود ادامه دهند.

1. Wiener Staatsoper
2. Volksoper



از جمله استدلالات دیگر درباره مخالفت با خصوصی‌سازی شامل تهدید نتایج منفی مالی، اقتصادی و حرفه‌ای مثل از دست دادن ضمانت شغلی خدمتگزاران مدنی، کاهش حقوق، کاهش کارکنان و غیره در دوران خصوصی‌سازی است.

به هر حال حمایت مالی از هنر به‌عنوان یک منبع مالی کامل، به‌خصوص برای مؤسسات پرچمدار (اصلی) و جشنواره‌های اصلی در حوزه هنر محسوب شده است. کسورات مالیاتی برای مخارج هنری، به‌عنوان «هزینه خاص» اعلان شده بود، اما هنوز به اجرا درنیامده است. براساس اعلان کمیته بازرگانی اتریش برای هنر - که چندین محرک تشویقی برای گسترش حمایت مالی از هنر در اتریش تدارک دیده بود (جایزه حمایت مالی مایکنانس^۱ و قراردادهای مطالعات) - تخمین زده شده که پتانسیل حمایت مالی بخش خصوصی در سال ۲۰۰۲ بیش از ۳۷ میلیون یورو بوده است (این مقدار حدود ۱/۸ درصد از هزینه‌های عمومی هنر است).

۸. حمایت از خلاقیت و مشارکت

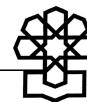
۸-۱. حمایت مستقیم و غیرمستقیم از هنرمندان

علاوه بر آنچه به‌طور مستقیم به هنرمندان اعطا می‌شود، قوانین اتریش چند ابزار مهم را برای حمایت غیرمستقیم از هنرمندان پیشنهاد می‌کند. این ابزارها عبارتند از: مقررات قانونی مختلف درباره منافع اجتماعی و سیاست‌های مالیاتی، رویکردهای مختلف با نگاهی به تأمین اجتماعی هنرمندان، پیش‌بینی‌های بازار کار و قانون کپی‌رایت (حقوق امانت عمومی کتابخانه‌ها، تقویت پشتیبانی بخش خصوصی از هنر به‌وسیله پاداش‌های مالیاتی و تخفیف‌هایی برای اهداکنندگان و حامیان مالی هنر).

۸-۱-۱. صندوق‌های خاص هنرمندان

موفقیت اصلی در حوزه حمایت غیرمستقیم از خلاقیت، ایجاد صندوق‌های گوناگون قابل دسترس برای هنرمندان است که شامل صندوق کونستلربیلف^۲ می‌شود. این صندوق در سال ۱۹۶۲ تأسیس و به‌وسیله معاونت هنری (صدراعظم فدرال) اداره می‌شود. این صندوق بعضی از مزایای تأمین اجتماعی را برای هنرمندان آزاد (غیردولتی) هنرهای بصری، فراهم می‌آورد. با اجرائی شدن مقررات جدید بیمه تأمین اجتماعی برای هنرمندان در اول ژانویه ۲۰۰۱، مقررات صندوق بیمه تأمین اجتماعی برای تمامی هنرمندان (نه فقط هنرمندان هنرهای بصری) به اجرا درآمد و جای آن صندوق

1. Maecenas
2. Kunstlerbif



را گرفت. به علاوه برای رفع نیازهای اجتماعی هنرمندان و در چارچوب قانون حمایت از هنر، معاونت هنری کمک‌هایی را اعطا می‌کند (۲۴۰,۰۰۰ یورو در سال ۲۰۰۴).

یک اعتبار قانونی نیز در حوزه ادبیات وجود دارد که به‌عنوان مکمل درآمد مؤلفان و مصنفان برای رفع نیازهای اجتماعی از جمله: بازنشستگی، عجز در کار، سرپرستی نان‌خوارها و حمایت در موارد خاص، کارایی دارد. معاونت هنری صدراعظم فدرال نیز کمک‌های بیش‌تری به مکمل‌های مرتبط با درآمد برای بیمه بازنشستگی کارگران آزاد تئاتر (اتحادیه Netz) و موسیقی (صندوق اجتماعی آفرینندگان موسیقی) اعطا کرده است.

۲-۱-۸. هدایا، جوایز و بورسیه‌های تحصیلی

انجمن‌های حرفه‌ای و گروه‌های ذی‌نفع با عضویت محدود، به‌منظور نمایندگی منافع عمومی اعضای‌شان در برابر عامه مردم، سایر انجمن‌های حرفه‌ای و دولت، تشکیل شده‌اند. آن‌ها خود را لابی‌گران هنرمندان خلاق و دست‌اندرکاران فرهنگی می‌دانند و به اعضای خود در موضوعات سیاسی و مسائل و مشکلات و قراردادهای حرفه‌ای کمک می‌کنند و به‌طور سنتی، با تصمیم‌های مختلفی درگیر هستند و در امر مشاوره درباره صورت‌حساب‌ها و موضوعات دیگر و اکثر اوقات به‌عنوان اعضای مذاکره‌کننده در اتخاذ سیاست‌ها، فعالیت می‌کنند.

علاوه بر انجمن‌های دوازده‌گانه تدوین کپی‌رایت اتریش (بخش ۷-۱-۵ را بنگرید) انجمن‌های حرفه‌ای فعال دیگری در این حوزه حضور دارند. این انجمن‌ها عبارتند از:

• انجمن ادبیات: مانند انجمن منافع نویسندگان (مرد و زن)، شامل انجمن مترجمان ادبیات یا انجمن نمایشنامه نویسان.

• انجمن موسیقی: مانند فدراسیون آهنگ‌سازان اتریش

• انجمن هنرهای نمایشی: مانند انجمن علاقمندان کار آزاد تئاتر

• انجمن ابتکارات فرهنگی منطقه‌ای: مانند اتحادیه فرهنگ اتریش

• انجمن فیلم: مانند فدراسیون خلق فیلم اتریش

• انجمن هنرهای بصری: مانند اتحادیه صحنه و هنر

• انجمن معماری: مانند مجموعه مرکزی معماران اتریش

شورای اتریش برای حوزه فرهنگ به‌عنوان یک اتحادیه از گروه‌های ذی‌نفع هنرمندان و فرهنگ‌آفرینان است و مطالبات و اهداف رسانه‌ای و مدیریتی سیاست‌های عمومی را نمایندگی می‌کند. هدف اصلی شورا پروراندن و ایجاد مباحث عمومی است. به علاوه هنرمندان این امکان را دارند تا به اتحادیه (GKMFB)^۱ بپیوندند. این اتحادیه یک اتحادیه تجاری است و نمایندگی

1. Gewerkschaft Kunst, Medien, Freie Berufe



علاقه‌مندان حرفه‌ای و اجتماعی خوداشتغال یا استخدام شده، هنرمندان خلاق، روزنامه‌نگارها، آموزگاران هنر، مدیران هنری، سازماندهندگان وقایع هنری و حرفه‌ای‌های مرتبط با هنر، رسانه، آموزش و ورزش را انجام می‌دهد.

۲-۸. روندها و نمودارهای مشارکت

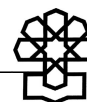
نمودار مشارکت در زندگی فرهنگی اتریش در دهه ۱۹۹۰ دارای نوسان بوده است. افزایش مستمر مشارکت، در حوزه رسانه‌های همگانی (تعداد مجوزهای رادیو و تلویزیون) و سینما دیده می‌شود.

جدول ۵. نمودارهای مشارکت سال‌های ۱۹۹۰-۲۰۰۲

۲۰۰۲	۲۰۰۰	۱۹۹۵	۱۹۹۰	عنوان
موزه و تئاتر				
۱۳۱۶	۱۲۹۷	۱۳۳۹	۱۴۱۸	- دیدار از تئاتر فدرال به ۱۰۰۰ نفر
۱۴۲۱	۱۴۱۰	۱۴۴۳	۱۵۵۴	- دیدار از تئاترهای خصوصی وین و Vereitnigte Buhnen Wien به ۱۰۰۰ نفر
۱۱۳۲	۱۱۹۸	۱۲۵۹	۱۲۴۵	- دیدار از تئاتر در بوندس‌لاندرها و شهرهای اصلی به ۱۰۰۰ نفر
۲۹۹۲	۳۲۱۳	۲۷۸۲	۳۴۰۹	- دیدار از موزه‌های فدرال به ۱۰۰۰ نفر
۱۲۸۰	۲۹۲۵	۲۹۵۱	۴۳۶۰	- دیدار از موزه‌های بوندس‌لاندرها به ۱۰۰۰ نفر
کتابخانه‌های عمومی				
۱/۰۸	۱/۱۳	۱/۰۳	۰/۸۷	- استفاده‌کنندگان (خوانندگان) به ۱۰۰۰ نفر
۱۷/۰	۱۷/۱	۱۶/۹	۱۳/۸	- امانت به میلیون
۲۴۵	۲۲۲	۱۸۲	۱۵۰	- کل روزنامه‌ها
۳۱	۳۱	۲۶	۲۶	- از کدام روزنامه‌ها
رادیو و تلویزیون				
۲/۸۹	۲/۷۶	۲/۸۱	۲/۷	- مجوزهای رادیو به ۱۰۰۰ نفر
۲/۸۷	۲/۷۱	۲/۶۵	۲/۵	- مجوزهای تلویزیون به ۱۰۰۰ نفر
۱/۰۷	۱/۰۱	۰/۸۶	۰/۵۷	- تلویزیون کابلی به ۱۰۰۰ ارتباط
۱۹/۳	۱۶/۰	۱۱/۹	۱۰/۱	- دیدار از سینما به میلیون نفر

Source: Kulturstatistik 1990, 1995 2000, 2002

براساس آمار نظرسنجی بارومتر اروپا درباره فعالیت‌های فرهنگی اروپا در سال ۲۰۰۱، حدود ۷۰ درصد از اتریشی‌ها بیان کرده‌اند که در سال گذشته به تئاتر، کنسرت یا موزه نرفته‌اند، ۵۰ درصد به سینما رفته‌اند، بیش از ۲۸ درصد یک کتاب نخوانده‌اند، ۳۵ درصد به تلویزیون نگاه کرده‌اند و ۴۶ درصد از اینترنت استفاده نکرده‌اند.



۳-۸. برنامه‌ها یا اقدامات سیاسی برای توسعه مشارکت در زندگی فرهنگی

از سال ۱۹۹۹ سه کار عمده انجام شد:

«شب بلند موزه» ابتکار ORF (شرکت پخش اتریش) در سال ۲۰۰۰ در افزایش تعداد بازدیدکنندگان از موزه بسیار موفق بود. در سال ۲۰۰۵ حدود ۵۰۰ موزه در اتریش (لیختن اشتاین و تیرول جنوبی) مشارکت داشتند و تعداد ۳۲۷,۵۰۰ نفر از این موزه‌ها بازدید کردند. فقط یک بلیت نیاز بود و اتوبوس‌هایی برای انتقال بازدیدکنندگان از موزه‌ای به موزه دیگر فراهم شده بودند.

«شب بلند موسیقی» از دیگر ابتکارات ORF بود و در سال ۲۰۰۱ در وین آغاز شد. در سال ۲۰۰۲ این واقعه هنری به شهرهای دیگر بوندس‌لاند‌ها از جمله سالزبورگ، گراز، دورن بیرن و اینس‌بروک کشیده شد و حدود ۷۱,۰۰۰ نفر بازدیدکننده داشت.

«سه‌شنبه تئاتر و دوشنبه سینما» از جمله ابتکارات شورای شهر وین در سال ۱۹۹۹ برای افزایش تعداد تماشاچیان تئاتر بود. هر سه‌شنبه، دو بلیت به قیمت یک بلیت فروخته می‌شد. اکثر سینماهای اتریش - چه سینماهای مستقل و چه سینماهایی که متعلق به شرکت توزیع بودند - بمانند «دوشنبه سینما» اداره می‌شدند؛ یعنی همه بلیت‌ها بدون توجه به طبقه و جای نشستن به یک قیمت در روزهای دوشنبه فروخته می‌شد. این ابتکار حدود ۱۰ سال پیش به وسیله انجمن سینما در اتاق بازرگانی خلق شده بود و موفقیت خود را ثابت کرد و باعث شد تا بسیاری از سینماها قیمت‌های ویژه‌ای را برای دیگر روزهای هفته در نظر بگیرند.

۴-۸. هنرهای تجربی، انجمن‌های فرهنگی و مراکز اجتماعی

۱-۴-۸. هنرهای تجربی^۱

هنرهای تجربی نقش عمده‌ای در زندگی روزانه اتریش ایفا می‌کنند. دوره‌های آموزشی بسیاری برای بزرگسالان در حوزه «خلاقیت» وجود دارد که به وسیله تعداد ۲۹۳ مرکز آموزشی بزرگسالان فراهم شده است. مدارس موسیقی نیز تسهیلاتی ملی برای برنامه‌های آموزشی در حوزه موسیقی فراهم کرده‌اند. به علاوه بیش از ۱۴,۵۰۰ انجمن فرهنگی فعال در حوزه موسیقی تجربی، تئاتر و آوازخوانی در اتریش وجود دارند.

۲-۴-۸. خانه‌های فرهنگ و باشگاه‌های فرهنگی - اجتماعی

انجمن‌های فرهنگی از دهه ۱۹۷۰ به عنوان بخش مهمی از حوزه هنر و فرهنگ اتریش به حساب می‌آیند. این انجمن‌ها از وقایع هنری منطقه‌ای، هنرهای چندفرهنگی، چندرشته‌ای، تجربی و طرح‌های فرهنگی تشکیل شده‌اند تا برای تدارکات خدمات‌دهی، همکاری و فراهم‌آوری تسهیلات در بهبود



سازماندهی و مدیریت ابتکارات هنری و فرهنگی اقدام کنند. از سال ۱۹۹۱، ابتکارات هنری و فرهنگی منطقه‌ای به وسیله بخشی از صدراعظم فدرال (معاونت هنری) تأمین اعتبار می‌شد. اما تغییر در نحوه تأمین اعتبار، از تأمین اعتبار بنیادین به تأمین اعتبار پروژه‌محوری، کار مداوم انجمن‌های کوچک فرهنگی را دشوارتر کرده است.



شماره مسلسل: ۸۰۷۲

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: سیاستگذاری فرهنگی - هنری در کشور اتریش

Report Title: Cultural – Arts Policy Making in Austria

نام دفتر: مطالعات فرهنگی

ترجمه: ابراهیم غلامپور آهنگر

ناظر علمی: بهمن مشکینی

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. اتریش (Austria)

۲. فرهنگ (Culture)

۳. هنر (Arts)

۴. سیاستگذاری (Policy making)

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

1. Compendium: Cultural policies and Trends in Europe; Austria1
2. <http://www.culturalpolicies.net>

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵/۸/۲۳